

# راه توده

شهره‌ها و روزنامه‌ها در خارج از کشور

شماره ۱۲ - آذرماه ۱۳۶۲ - طابوق  
 آذرماه ۱۳۶۲ - سال دوم - شماره ۸۶  
 بهار ۱۳۶۰ - سال

## وحدت عمل در پیکار علیه کشتار و اختناق در ایران، ضرورتی که باید به آن پاسخ گفت!

احزاب، نیروها، جمعیت‌ها و محافل مترقی و دمکراتیک جهان از این اعتراضات به عمل آوردند، نمودار روشن پشتوانه عظیمی است که همه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی ایران در پیکار خود علیه ارتجاع سپاه ایران می‌توانند از آن یاری جویند. وظیفه مبرمی که تجربه گسترش این اعتراضات، پیش روی نیروهای انقلابی می‌نهد، هماهنگی و تمرکز قوا در راه بهره‌گیری همه‌جانبه از این همبستگی بین‌المللی است. امری که نیازمند بقیه در صفحه ۲

مبارزه نیروهای ضدامپریالیست و ترقی‌خواه علیه ستم، اختناق و محرومیت‌های اجتماعی، هرروز در جریان گسترش روزافزون، اشکال جدیدی به خود می‌گیرد. اعتصاب غذا که این روزها در شهرهای مختلف اروپایی، برپا شده است، شیوه نوینی است که مبارزان میهن‌دوست برای ابراز مخالفت و اعتراض خود و نیز افشای جنایات و خیانت‌های حاکمیت جمهوری اسلامی اتخاذ کرده‌اند و با موفقیت چشم‌گیری آن را به پیش می‌برند. همبستگی گسترده و پشتیبانی بی‌دریغی که

## حضور نظامی امپریالیسم امریکا در خلیج فارس تثبیت می‌شود

جریان تحولات اخیر، با همسویی سیاسی و تبلیغاتی خاصی با حاکمیت جمهوری اسلامی، کاربرد این سلاح‌ها از سوی عراق را محکوم کردند. ایالات متحده آمریکا که با شتابزدگی و حرارت چشمگیری در این اقدامات پیشاهنگ شد، از سوی سخنگوی عراق به "دورویی" متهم گردید. عنوانی که خودبیانگر واقعیت پشت پرده است. در ادامه این موضع‌گیری‌ها هفته نامه آمریکایی تایمز نوشت:

جنگال تبلیغاتی جمهوری اسلامی پیرامون استفاده جنایتکارانه عراق از سلاح‌های شیمیایی به نتایج مطلوب مبتکران آن نزدیک می‌شود. سران جمهوری اسلامی طی این جنگال موفق شده‌اند حمایت تبلیغاتی جهان امپریالیستی از جمهوری اسلامی را در خدمت بهبود مناسبات با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار دهند. دول امپریالیستی که خود سلاح‌های شیمیایی را برای استفاده در چنین مواردی در اختیار رژیم عراق گذارده‌اند، در

بقیه در صفحه ۲

## بازهم درباره انتخابات

مضحک تدارک انتخابات فرمایشی دومین دوره مجلس شورای اسلامی پایان یافت و مراحل اجرای آن با اطلاعیه‌های ناطق نوری، وزیر کشور آغاز شد.

آنچه که از برآیند رویدادهای دو ساله اخیر به دست می‌آید و نتیجه مستقیم اعمال سیاست‌های خیانت بار رهبران جمهوری اسلامی است، نشان می‌دهد که نتیجه این "انتخابات" نه در جهت تأمین منافع زحمتکشان و محرومان جامعه و نجات انقلاب از فرقاب وابستگی به امپریالیسم، بلکه در راستای عکس آن سیر می‌کند.

"با در نظر گرفتن مجموعه این عوامل، کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مشترکا به این نتیجه رسیدند که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست‌های نامزدهای ارائه شده از طرف نهادهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی و سازمانهای مربوط به آنها رای مخالف دهند.

دادن رای مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهادهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی به معنای نفی سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی، به معنای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، به معنای خواست آزادی ده‌ها هزار انسان بی‌گناه درینده، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام میهن‌دوستان، به معنای طرد عمال امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره رد از پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آنند."

(از اعلامیه مشترک در باره انتخابات)

## حاکمیت سرکوبگر ج.ا. از اعلام سرنویشت توده‌ای‌های محاکمه شده وحشت دارد

صفحه ۱۱

## در صفحات بعد

خاطرات شهید خسرو لطفی از روزهای انقلاب

صفحه ۸

حلقه دیگر سیاست ایران بر بادده خائنین به انقلاب...

صفحه ۶

مسخ شوراها و روستایی، گامی دیگر در روند بازگشت انقلاب

صفحه ۳

تقلاهای عبث برای جدی جلوه دادن مضحکه انتخابات

صفحه ۱۰

۴۱ سال مبارزه پیگیر در راه حقوق زحمتکشان

ضمیمه جوانان

جوان

# پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

# حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس تثبیت می شود

بقیه از صفحه ۱

"با اعزام سربازان جوان ایرانی به کشورهای خارجی که توسط گازهای شیمیایی مسموم شده بودند و مرگ تعدادی از آنان و نتایج کالبد شکافی که با اجازه آیت الله خمینی با وجود تضاد با موازین اسلامی صورت گرفت، دیگر جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی گذارد که عراق به جنگ شیمیایی متوسل شده تا شاید راه نجاتی برای شکست های اخیر خود و یا حداقل به یک انتقام جویی دست یازیده باشد."

این روزنامه با چنین موضع گیری نمونه واری در حمایت از جمهوری اسلامی، از رهبران کشورها می پرسد که چرا عراق باید برخلاف تمام قوانین بین المللی به کار برد یک چنین سلاحی دست زند؟

سران جمهوری اسلامی با نظر مثبت نسبت به این همسویی تبلیغاتی که طی آن جنایت جنگی عراق به بهانه ای برای توجیه ادامه جنایتکارانه جنگ تبدیل می شود، پنهان نمی کنند که خواستار اقدامات جدی تر امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا در حمایت از مواضع جمهوری اسلامی هستند:

"موضع آمریکا در این رابطه در حد یک ملامت شیرین است که پدری نسبت به فرزند خود (رژیم عراق) دارد و در این حد نه ما قانعیم و نه گول می خوریم و نه دنیا قبول دارد... ما به هیچ وجه به این اندازه قانع نیستیم و صدام به خاطر همین جنایتش و حزب بعث و فرمانده لشکر عراقی باید محاکمه شوند" (هاشمی رفسنجانی- ۱۸ اسفند ۶۲).

آنان برای روشن کردن نیت واقعی خود، هم صدا با دروغ پردازی های محافل مشکوک امپریالیستی، تلاش می کنند با مقهم کردن اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی

- یعنی کشورهایی که پیشتر مبارزه در راه منع قطعی و کامل استفاده از این سلاح ها از سوی همه کشورها بوده اند - به دست داشتن در این ماجرا این کارزار تبلیغاتی را در سمت دلخواه امپریالیسم جاری سازند.

"اما آن چیزی که در این زمینه برای ما شگفت آور است سکوت کشورهای ضد امپریالیستی و به اصطلاح خلقی در بلوک شرق در محکومیت این قضیه سخنی نگفتند و این ظن را به وجود آوردند که در پشت پرده قضیه دیگری است" (نخست وزیر - اطلاعات ۲۲ اسفند ۶۲).

این دروغ پردازی آشکار که در شرایط انجام می شود که جهانیان از مواضع گذشته و حال دولت های سوسیالیستی در محکوم کردن این گونه جنایات آگاهند، هدف سیاسی مشخص بهبود مناسبات با دول امپریالیستی را دنبال می کند.

## امپریالیسم آمریکا در بهره برداری

### از جنگ فرسایشی به اهداف

#### استراتژیک خویش نزدیک می شود

استقرار ناوگان هفتم ایالات متحده در تنگه هرمز، به خودی خود مرحله نوینی در بهره برداری همه جانبه امپریالیسم آمریکا از ادامه جنگ ایران و عراق است. ایالات متحده با اعلام منطقه منسوسه های در آبهای خلیج فارس که تحت حاکمیت مستقیم فرماندهی نظامی قرار دارد، در عمل به یکی از کشورهای خلیج فارس و یکی از همسایگان جمهوری اسلامی تبدیل شده است. مقرراتی که آمریکایی ها برای عبور از آنها و فضای تحت حاکمیت خویش در خلیج فارس وضع کرده اند، از مقرراتی که در مناطق تحت حاکمیت مستقیم آمریکا قرار دارد محدودتر است. ایالات متحده؛ اقداماتی چون تجاوز مسلحانه به حق حاکمیت مردم ما که در بهمن ماه گذشته صورت گرفت، از این منطقه حفاظت می کند.

این بهره برداری توسعه طلبانه از جنگ افروزی های حاکمیت جمهوری اسلامی، مناسبات جمهوری اسلامی با ایالات متحده را علی رغم خواست و تلاش آشکار سران جمهوری اسلامی به کم اهمیت جلوه دادن موضوع و خردداری از موضع گیری قاطع و اقدامات عملی در قبال این

تجاوزات، رویه تیرگی بردو در راه پیشه سیاست آنان مبنی بر جلب حمایت همه جاد امپریالیسم جهانی از جمهوری اسلامی برا پیروزی در جنگ توسعه طلبانه موانعی به وج آورد.

لازمه رفع این موانع و بهبود مناسبات امپریالیسم جهانی، به فراموشی سپردن واقعیه تثبیت استقرار نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس از سوی سران جمهوری اسلامی بود. چنانچه تبلیغاتی سران جمهوری اسلامی پیرامو کاربرد جنایتکارانه سلاح های شیمیایی از سو رژیم عراق که با همراهی سیاستمداران غربی ارکستر رسانه های گروهی امپریالیستی او می گیرد، در خدمت پرده پوشی این واقعیه است.

اینک هفته هاست که در سخنان نظریه پردازان های سران جمهوری اسلامی، کوچک ترین اشاره ای به توسعه طلبی تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس نمی شود. اقدامات عملی برای مقابله با این تجاوز حتی جریان لغایه های ضد آمریکایی وزارت خارجه سران جمهوری اسلامی نیز خبری نبوده. در عرا سیاسی این واکنش به معنای پذیرش عملی مطا، امپریالیسم آمریکا از سوی حاکمیت جمهور اسلامی است.

امپریالیسم آمریکا با تثبیت حضور نظامی خویش به مثابه یکی از کشورهای خلیج فارس ژاندارم تنگه هرمز، گام مهمی در بهره برداری جنگ فرسایشی ایران و عراق در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه برداشته است. تصرف کامل حاکمیت در هر دو کشور ایران عراق، با بهره برداری همه جانبه از ادامه جنگ فرسایشی گام بعدی است. ورشکستگی کاه حاکمیت جمهوری اسلامی که نتیجه محتوم آدا، جنگ ایران و عراق است و تقوی راستگراترین جناح حاکمیت جمهوری اسلامی، اینک از سر عوام فریبی خود را مخالف آدا، جنگ جلوه می دهد، مقدماتی است که در جهت در حال تدارک است.

سالگرد تاسیس سازمان فداییان خلق ایرا برای ما فرستاده است که با کشتی در تارخ خونین مبارزه انقلابی خلق ما علیه ستم "نزدیکی سپیده" را نوید می دهد.

● رفیق عزیز از کوتینکن مقاله گزاره گونه شما را دریافت داشتیم. استعداد خود را د زمینه قلم نویسی پرورش دهید. متشکریم.

● " جوانان آرش"، هوادار حزب توده ایران کارت تبریک زیبایی به مناسبت فرا رسید نوروز برای ما فرستاده اند. این دوستان د شادباش پرشور خود به توده ای ها خاطر نشا ساخته اند:

"ما با بیکارمان نشان خواهیم داد که خو شهیدانمان به هدر نمی رود و نسیم بهار آزادی به زندانیان دربند می رسانیم."

و کلی زیبا برای ما فرستاده که با وزن نیبایی سروده شده است. ضمن سپاس از دوستان باید متذکر شد وزن شعر در چند جا خدشه می پذیرد، مثلا:

" بسوزان چهره پاک حقیقت را / ۱۰۰ / ولی صبر کن." که این دو سطر نه تنها هم وزن نیستند، بلکه سطر دوم کاملا بی وزن می شود. مطالعه دقیق آثار نیما و بیروان راه او را توصیه می کنیم.

● "یک هوادار" از استرالیا شعر شما رسید. متشکریم.

● "محمدرضا ن."! شعر شما را که با احساسی پرشور و انسانی سروده شده دریافت کردیم. سپاسگزاریم. ● رفیق "آرش" از هندوستان شعری تحت عنوان "با مادرم" به مناسبت چهاردهمین

## نامه خوانندگان

● دوست عزیز از اسکاندیناویا، شعر کوتاهی با عنوان "حزب طراز نوین" به مناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران برای ما ارسال داشته است. دربخشی از این شعر می خوانیم:

"بر زندگی که جاری ست در کوچه ما / نامت را می نویسم / من با تو می زیم / چونان گیاه که با آب"

منتظر اشعار دیگر شما هستیم.

● "یکی از هواداران"، شعری با خطی خوش

# وحدت عمل در پیکار علیه کشتار و اختناق در ایران، ضرورتی که باید به آن پاسخ گفت!

بقیه از صفحه ۱

تدارکات سازمانی جدی در راستای اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست و مرفقی در مین ماست. فجایی که سران جمهوری اسلامی، هرروزه در مین ما مرتکب می شوند و حرکت پرشتاب در راه خیانت باری که در پیش گرفته اند، بر لزوم و ضرورت ادای این وظیفه مبرم، بیش از پیش تاکید دارد.

حزب توده ایران که همواره پیشگام و منادی وحدت عمل و اتحاد نیروهای انقلابی، برای مبارزه در راه منافع زحمتکشان بوده است، اکنون نیز انگلیه نیروهای مرفقی و

مبارزی را که علیه سیاست های امپریالیسم پسندانه و وابستگی آور رژیم، علیه کشتار و اختناق، علیه ادامه جنگ برادرکشی بین ایران و عراق، علیه ستم پر ملیت های ساکن ایران و برای تامین منافع و مصالح مردم مجرم و زحمتکشان میهن مان مبارزه می کنند، فرامی خوانند تا در این عرصه عمل، به گونه ای یکپارچه و با بهره گیری از امکانات یکدیگر و تکیه بر همبستگی بین المللی نیروهای مرفقی جهان کام گذارند و وظیفه مبرم و انقلابی خود را به جا آورند.

سوسیالیست این کشور، خبر اعتصاب غذا همراه با خواست های اعتصابیون از رادیو اتریش پخش شد و مطبوعات مرفقی این کشور نیز به درج آن پرداختند که از آن جمله اند:

- روزنامه های ارگان مرکزی حزب سوسیالیست و ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش که در شماره های مختلف به تفصیل در این باره نوشتند و ضمن توضیح بیشتری در مورد وقایع ایران، مردم مرفقی این کشور را به جانب داری از خواست های اعتصابیون فراخواندند.

## اعتصاب غذا در وین

گروهی از ایرانیان مرفقی مقیم اتریش، به منظور اعتراض به موج سرکوب و خفقان و تحقیر و شکنجه و اعدام نیروهای دمکرات در ایران، اعتراض به ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق و سیاست ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی در مورد اقلیت های قومی و مذهبی، هم زمان با برگزاری اعتصاب غذا در سایر پایتخت ها و شهرهای مهم جهان، از روز سه شنبه ۲۰ مارس (۲۰ اسفند) به مدت سه روز در وین دست به اعتصاب غذا زدند.

اعتصاب کنندگان همچنین از دولت اتریش خواستند:

- ۱- جهت پایان دادن به پیکر و کشتار دمکرات ها در ایران اقدام نماید.
- ۲- امکانات خویش را جهت خاتمه جنگ میان ایران و عراق به کار بندد.
- ۳- تسهیلات لازم را در امر رسیدگی به وضع مهاجرین سیاسی ایرانی در اتریش فراهم آورد.

اعتصاب کنندگان در خاتمه، افکار عمومی مرفقی این کشور را فراخواندند تا صدای اعتراض خود را علیه جنایات حاکمیت ارتجاعی ایران بلند کرده، همبستگی خود را با زندانیان دمکرات تشدید نمایند.

## آلمان فدرال

اقدامات اعتراضی سازمانهای مرفقی آلمان فدرال، در محکوم کردن اعمال جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال مبارزان راه استقلال، آزادی و صلح ایران همچنان ادامه دارد و اعدام ده تن از افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران، خشم آنان را بیش از پیش برانگیخته و چهره "سیا" و دژخیمان را هرچه رسواتر ساخته است.

در طول برگزاری اعتصاب غذا، شخصیت ها و نهادهای مرفقی اتریش، با حضور در محل و ارسال پیام های همبستگی، حمایت خود را از خواستهای مطروحه در بالا ابراز داشتند. از آن جمله اند:

- نمایندگان اتحادیه دانشجویان عراقی در اتریش -
- ترکهای ضدفاشیست مقیم اتریش
- نمایندگان حزب کمونیست یونان در این کشور
- نمایندگان پزشکان مرفقی اتریش
- دبیر سازمان الترناتیو
- نمایندگان سازمان دمکراتیک زنان اتریش
- هواداران حزب کمونیست شیلی
- دبیر سندیکاهای سراسری اتریش
- دانشجویان کمونیست و دانشجویان

دبیرخانه مرکزی اتحادیه ضدفاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازی ها قرار داشته اند، در آلمان فدرال، به محض وصول اطلاع از خبر اعدام ده تن از افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران، خشم و نفرت خود و اعضای سازمان را که اکثرا از مبارزین قدیمی ضدفاشیست و کسانی هستند که سالیان دراز در بازداشتگاه های مرگ هیتلری و در تبعید و مهاجرت اجباری بسر برده اند، طی نامه ای به دولت جمهوری اسلامی ایران، ابلاغ نموده است. دبیرخانه پایان بخشیدن به اعمال ضد بشری

بقیه در صفحه ۴



# با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

## اعتراضات گسترده نیروهای انقلابی علیه اعدام توده‌ای‌های در بند

بقیه از صفحه ۲

حکومت و آزادی فوری کلیه زندانیان دمکرات را از سیاه چالهای جمهوری اسلامی ایران خواستار گردیده و بازم درخواست اعزام هیاتی از پزشکان و حقوق دانان آلمانی جهت عزیمت به ایران و بررسی وضع زندانیان پافشاری نموده است. اتحادیه ضدفاشیست‌ها همچنین طی صدور یک اطلاعیه مطبوعاتی، این عمل وحشیانه را محکوم نموده و اعدام مبارزین راه استقلال و آزادی ایران را یکی از بزرگترین جنایات حاکمیت و آن را به ضرر منافع واقعی مردم کشور ما تلقی کرده است.

در این اطلاعیه، آزادی زندانیان سیاسی مترقی و سفر هیاتی به ایران به منظور آگاهی از چگونگی وضع زندانیان، خواسته شده است.

شعبه‌های اتحادیه در سراسر آلمان نیز به عناوین مختلف، اعدام مبارزین میهن‌دوست و اعضای حزب توده ایران را محکوم کرده‌اند.

اسامی برخی از سازمانهایی که به عناوین مختلف، نسبت به اعدام‌های اخیر در ایران به اعتراض برخاسته‌اند، بدین قرار است:

- اتحادیه سندیکایی آلمان و انجمن دانشجویان اوانگلیست کارلسروهه
- انجمن دانشجویان کاتولیک گوتینگن
- شعبه‌های حزب کمونیست آلمان در شهرهای بوخوم، کیل و شلزویک هولشتین
- جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در شلزویک هولشتین
- گروه کمونیست‌های مدارس عالی کیل
- اتحادیه دانشجویان مارکسیست دانشگاه کیل
- اتحادیه سوسیالیست‌های مدارس عالی آخن
- ضنا هواداران سازمان فداییان خلق ایران، همراه با اتحادیه ضدفاشیست‌های آخن، بدین مناسبت، تظاهراتی در روز شنبه، ۲۴ مارس (۴ فروردین ماه) ترتیب داده، اعدام مبارزان توده‌ای را محکوم کردند و به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال میهن دوستان ایران، پرداختند.

و کنفدراسیون عمومی کار در استان آلپ ماریتیم، از جمله سازمانهایی هستند که اعدام اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده، خواستار پایان بخشیدن به تظییقات و فشار علیه مبارزان ضدامپریالیست ایران گردیده‌اند.

گروهی از حقوق دانان و پزشکان شهر نیس نیز بدین مناسبت، از طریق ارسال نامه به سفارت جمهوری اسلامی در پاریس، اعتراضات خود را به مقامات مسئول حکومتی ایران، ابلاغ داشته‌اند.

گروه کثیری از پزشکان، استادان و محققین دانشگاه‌های تولوز ضمن ارسال تلگرام به سفارت جمهوری اسلامی ایران در فرانسه، خواستار پایان دادن به موج ترور و سرکوب نیروهای انقلابی در ایران شدند. آنان همبستگی کامل خود را با زندانیان سیاسی مترقی که قربانیان جنایات رژیم حاکم بر ایران می‌باشند، اعلام و رعایت حقوق قانونی زندانیان و پایان دادن به شکنجه و اعدام آن‌ها را خواستار شده‌اند.

### ایتالیا

فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در شهر بلونیا و اتحادیه سراسری سندیکاها فلزکاران و دبیرخانه ایالتی اتحادیه سندیکاها کارگری در ایالت امیلیارومانیا، اعتراضات شدید خود را نسبت به اعدام ده تن از افسران و اعضای حزب توده ایران، طی تلگرام‌هایی به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ابراز داشتند. سازمانهای فوق‌الذکر همچنین از رئیس جمهور و نخست وزیر ایتالیا خواسته‌اند که به منظور حمایت از زندانیان سیاسی مترقی در ایران و حفظ موازین بین‌المللی حقوق بشر در این کشور، اقدامات عاجل به عمل آورند.

### سوئد

سازمان جوانان کمونیست سوئد، گروه دانشجویان مارکسیست دانشگاه استکهلم و سازمان دانشجویان کرد در اروپا، شاخه سوئد، از جمله سایر نیروهای مترقی که عمل وحشیانه

هاینریش شیرمیک، نویسنده برجسته آلمانی، عضو آکادمی علوم و ادبیات شهر ماینس و عضو آکادمی زبان و شعر آلمان فدرال و آکادمی ایتالیا، طی نامه‌ای که از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن به شورای عالی قضایی و دادستان دادگاه‌های نظامی تهران ارسال داشته، نگرانی خود را نسبت به رویه دستگاه قضایی ایران در قبال آزادی خواهان کشور ما و از جمله احکام خلاف قانونی که علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران صادر و اجرا شد، ابراز نموده است.

وی پس از تاکید بر این امر که تشکیل دادگاه‌های نظامی علیه "متهمان"، ناقض موازین بین‌المللی در مورد رعایت حقوق بشر بوده و احکام صادره از پیش، در خدمت منافع سیاسی حاکمیت راستگرا تعیین شده است، لغو کلیه احکام، برجیدن دادگاه‌های نظامی و رعایت حقوق زندانیان را به نام انسانیت و عدالت خواسته است.

### فرانسه

اومانیتته، ارگان حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۰، ۱۵ و ۱۶ مارس (۱۹، ۲۴ و ۲۵ اسفند)، به درج اخبار مربوط به شکنجه و آزار و اعدام توده‌ای‌ها در زندان و نیز اعلام محکومیت گروه دیگری از اعضای حزب در شهرهای رشت و ارومید اقدام کرده و بار دیگر، افکار عمومی فرانسه را به حمایت از آزادی خواهان ایران فراخوانده است.

از جمله اقدامات عملی که به ابتکار حزب کمونیست فرانسه در آخرین روز ماه فوریه (۱۰ اسفند) انجام گرفت، برپایی تظاهرات اعتراضی در مقابل ساختمان سفارت جمهوری اسلامی در پاریس بود که طی آن تظاهرکنندگان خواستار لغو احکام اعدام و آزادی کلیه دمکرات‌های مترقی از بند رژیم ایران گردیدند.

فدراسیون حزب کمونیست، فدراسیون جوانان کمونیست، گروه امداد مردمی، مبارزان سابق نهضت مقاومت علیه فاشیسم

اعدام افسران و اعضای حزب توده ایران را به دست جلادان حکومت جمهوری اسلامی، محکوم نموده‌اند. همچنین به ابتکار حزب کمونیست عراق، نامه اعتراضی با امضای ۱۰۰ نفر، به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد ارسال گردیده است.

طی مراسمی که در استکهلم به مناسبت شصت و ششمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست آرژانتین برگزار شد، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن اعدام ده تن از اعضای حزب توده ایران و صدور احکام سنگین برای سایر اعضا به شدت محکوم شده است.

### هندوستان

۲۴ تن از وکلای مترقی ایالت اوتراپرادش، طی نامه‌ای خطاب به رئیس جنبش عدم تعهد و ارسال رونوشت آن برای سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو و مطبوعات، اعدام ده تن از افسران مبارز و اعضای حزب توده ایران را به شدت محکوم کرده، خواستار پایان دادن به اعمال غیرانسانی رژیم حاکم در ایران و آزادی کلیه زندانیان دمکرات و صدور روایید جهت هیاتی مرکب از حقوق دانان و ناظران بین‌المللی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک گردیده‌اند.

مسئولین مرکز تحقیقاتی علوم اجتماعی کلکته، همبستگی خود را با زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای ضدامپریالیست ایران اعلام داشته، رفع تظییقات از آنان، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و اعزام هیاتی جهت بررسی وضع آنان را از نزدیک خواسته‌اند.

انجمن معلمان کالج و دانشگاه بنگال غربی که نه‌هزار نفر عضو دارد، طی برپایی جلسه‌ای همبستگی خود را با مبارزان در بند در ایران ابراز داشته، آزادی کلیه این میهن‌دوستان و پایان بخشیدن به سرکوب نیروهای مترقی را خواستار شدند.

جلسه شورای ایالتی فدراسیون سراسری دانشجویان هند در بنگال غربی که در تاریخ ۶ فوریه (۱۷ بهمن ماه) برگزار گردید، نامه‌ای اعتراضی تهیه و به سفارت ایران در دهلی نو ارسال



# حلقه دیگر سیاست ایران بر بادده خائنین به انقلاب...

در چند ماهه اخیر، لویچی به مجلس ارائه می‌شوند. به تصویب می‌رسند که در جهت تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته است. در این مجموعه، قانون کار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اجرای یکی از آخرین مراحل به شکست کشاندن انقلاب، با تثبیت پایه‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری وابسته همراه است. یکی از عوامل اصلی در این زمینه، گسترش و افزایش نفوذ سرمایه‌داران بزرگ در عرصه تولید است. البته از همان اوایل انقلاب گرایش‌هایی در این زمینه وجود داشت که همزمان با تشدید روند روی برگرداندن حاکمیت از اهداف اولیه انقلاب، به گرایش مسلط بدل می‌شد.

نخست وزیر، هنگام تقدیم لایحه بودجه ۱۳۶۱ به مجلس در این مورد چنین گفت:

"من اینجا به صورت روشن اعلام می‌کنم که در چارچوب شرع و قانون اساسی، دولت مدافع گرایش سرمایه‌های بزرگ از توزیع به تولید است."

حزب توده ایران در همان هنگام اعلام کرد که در پیش گرفتن چنین خطی از جانب حاکمیت، برای کشور فاجعه آمیز خواهد بود و چنین نیز شد. حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه این سیاست طی این دو سال، گام‌های بزرگی برداشته است که سرکوب حزب توده ایران همویی هرچه بیشتر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از مهم‌ترین آنهاست.

اکنون همین سیاست از جانب حاکمان روشن‌تر بیان می‌شود. رییس جمهور در دیداری که اخیراً با "معتدین" بازار داشته است، پس از تعریف و تمجید علنی بی‌سابقه از سران بازار، می‌افزاید:

"کشیده شدن کسبه به بخش تولیدی جامعه از اساسی‌ترین کار است و سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی نیز همین است." به عبارت روشن‌تر، "سیاست کلی جمهوری اسلامی، حاکم کردن

کلان سرمایه‌داران به ویژه سرمایه بزرگ تجاری بر تمامی عرصه‌ها، از جمله عرصه تولید است که سرمایه‌داران بلادرتک، برای تحقق بخشیدن به آن وارد عرصه عمل می‌شوند:

- صادق عسکر اولادی، (برادر عسکر اولادی معروف) رییس هیات مدیره اتحادیه و شرکت‌های تهیه و توزیع مصنوعات نفت سوز، گاز سوز و الکتریکی که بیش از ۱۶۰ واحد تولیدی و ۱۰۲۴ واحد صنفی را زیر پرورش خود دارد، خواهان آن است تا با کمک دولت، تعداد این واحدهای تولیدی را به ۴۰۰ برساند. (کیهان ۶۲/۱۲/۲)

- هشتمین اجلاس شورای هیات‌های رییس و مسئولین اتاقهای بازرگانی و صنایع معادن کشور که ریاست آن را مهندس علی نقی خاموشی (برادر خاموشی معروف) مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری را خواستار شد. نمایندگان سرمایه‌داران حاضر در

این اجلاس، ایجاد یک واحد تولیدی ورق آهن و احداث چند کارخانه سیمان در جنوب کشور را طلب کردند. (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱۴)

- در سمینار سراسری جامعه انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف، سعید امانی دبیر کل این "جامعه"، از جمله کنترل بیشتر بخش خصوصی در مدیریت کارخانجات را خواستار شد. (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱۳)

برخی این طور وانمود می‌کنند گرایش سرمایه‌های تجاری به تولید باید با کاهش امکان سودجویی وسیع در عرصه توزیع همراه باشد. ولی واقعیت نشان می‌دهد که در اینجا نشان‌هایی حاکی از هم پیوندی هرچه بیشتر بین سرمایه‌تجاری و صنعتی به چشم می‌خورد. این امر به سرمایه‌داران امکان می‌دهد که کنترل تولید و توزیع و تعیین قیمت‌های فروش را در اختیار خود گیرند. سرمایه تجاری حاکم بر عرصه تولید، شرایطی دارد که باید به تدریج به مرحله اجرا درآیند، از جمله، حمایت بانکی، امنیت اقتصادی و

اجتماعی، رابطه مستقیم و صمیمانه با انحصارات امپریالیستی، استثمار شدید کارگران و ... ناگفته پیداست، وظیفه تأمین این شرایط بر عهده قوانینی است که این روزها به مجلس برده می‌شوند.

روزنامه جمهوری اسلامی ۶۲/۱۱/۲۴ در این مورد به صراحت اعلام می‌کند:

"اگر صاحبان سرمایه حلالی که تا کنون شهامت سرمایه‌گذاری بلند مدت را نداشته‌اند و راه توزیع سرمایه‌گذاری کوتاه مدت را برگزیده‌اند، اگر نکوییم همه، اضافه بسیاری از صاحبان این گونه سرمایه‌ها را بلا تکلیفی و انتظار به سرگردانی همچون سرمایه‌هایشان کشانده است. انتظاری که طبعاً اجرای اصل ۴۹ به آن پایان خواهد بخشید."

این سرمایه‌های بلا تکلیف (۸۲) ۷۰۰ میلیارد ریال برآورد می‌شوند.

در کنار "قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی"، تصویب قانون نظام بانکی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. پرداخت وام‌های کوتاه و بلند مدت با بهره‌های کم، مشارکت در تاسیس واحدهای صنفی که پس از سوددهی به بخش خصوصی واگذار خواهند شد و ... در واقع همان سیاست حمایت‌های بانکی است که رژیم شاه نیز از سرمایه‌های بزرگ صنعتی و خصوصاً سرمایه‌های وابسته به دربار به عمل می‌آمد و اکنون نیز مورد نیاز و تقاضای سران بازار است.

صحبت بر سر ۶۰۰ واحد تولیدی است که ملی شده و یا در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد و طبق گفته سرپرست این بنیاد قرار است به بخش خصوصی برگردانده شود. این واحدها که اکثراً به بخش صنایع مصرفی و سودده تعلق دارد برای سرمایه‌داران لقمه چرب و نرمی است. بحث پیرامون این موضوع ظاهراً آخرین مراحل خود را طی می‌کند و هفته پیش پس از بحث در شورای عالی قضایی، جهت تصمیم‌گیری به شورای نگهبان

ارجاع شد. مسئله وابستگی صنعتی کشور و همچنین اتکاء اقتصاد به صادرات نفت نیز از مواردی است که لزوماً از یک سو با دادن اعتبارات کلان مالی به بخش خصوصی و از طرف دیگر با وارد کردن صنایع مصرفی و مونتاز پیوند می‌خورد. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز همان سیاست‌های ضد ملی رژیم شاه را دنبال می‌کند. آقای بانکی، یکی از سرشناس‌ترین سخنگویان این سیاست، اهم آن را بدین صورت تصویر می‌کند:

"اگر ما بخواهیم تولید صنعتی خود را زیاد کنیم، می‌بایست برای مدتی وابستگی‌مان به خارج بیشتر شود ... چون سلکت ما نیاز به سرمایه‌گذاری دارد، می‌بایست صادرات نفتی خود را بیشتر کند" (کیهان ۶۲/۱۲/۱۳).

## حلقه تکمیل‌کننده این خیانت‌ها، پایمال کردن حقوق کارگران و به بند کشیدن آنها است

خواستهای سرمایه‌داران در این زمینه، کاملاً روشن است و تاکنون سخنگویان ارتجاع، چون توکل، شورای نگهبان و ... آنها را به صراحت و بارها بیان کرده‌اند: - جلوگیری از "دخالته"

کارگران در امور مربوط به مدیریت، یعنی پایمال کردن اصل ۱۰۴ قانون اساسی و نادیده گرفتن حق مشارکت کارگران در اداره واحدها.

- سرکوب تشکلهای صنفی کارگران مانند سندیکا و شورا، کنترل کامل تشکلهای کارگری از جانب دولت و کارفرمایان، فلج کردن فعالیت صنفی این تشکلهای و از میان برداشتن امکانات عملی این فعالیت‌ها ...

- بازگواردن دست سرمایه‌داران در استثمار بی‌حد و مرز کارگران، عدم اجبار دولت حداقل حقوق کارگران.

- ایجاد امکان استثمار بقیه در صحنه ۱۶

# سخنگوی صدیق!؟

آقای "صدیق" را می شناسید؟ ایشان یکی از رهبران مشهور ج.ا. هستند که تا روز جمعه ۱۹ اسفند فقط لقب "حجت الاسلام والمسلمین" را داشتند. ولی در آن روز صلاح دیدند که لقب "سخنگوی صدیق" را هم به خود اعطاکند. از آن روز شدند حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی سخنگوی صدیق! که به قول خودشان: " همه چیز را با مردم در میان می گذارند." مگر اصل قضایا را. آقای "سخنگوی صدیق" در آن روز مطالبی گفتند که باید مورد بررسی قرار گیرد، چون بهرحال از سر صدق گفته شده و بیانگر استراتژی ج.ا. است. حتما تا امروز نمی دانستید که مردم میهن ما بطور کلی و عموما به دو گروه تقسیم می شوند. یک دسته آنها هستند که "بیشتر به کنترل دولت توجه دارند" یعنی خواستار نظارت دولت بر اقتصاد کشور و هدایت آنست. "بخاطر اینکه از ستم دنیای غرب و شرارت های آن رنجیده و این همه فساد از دنیای غرب دیده و بخاطر کفالت کاری هایی که سرمایه داران و پولدارها در این مملکت کردند و هنوز هم می کنند و بخاطر وحشتی که از حکومت سرمایه پر ذهن آنها مستولی است ... بیشتر طرفدار این هستند که دست بخش خصوصی از تصمیم گیری های اصولی کنده شود... و سرخ قضیه در دست دولت باشد که طغیان نشود." از این گونه افراد که این طرز فکر را دارند در بین "مراجع هست، توی شورای نگهبان هم هست، توی مجلس شورای اسلامی هم هست، توی دولت هم... هست، توی کارخانه ها، نهادها، و مردم هم هست... (رفسنجانی نماز جمعه ۱۹ اسفند، ولی "یک عده هم از این طرف هستند که اکثریتشان مسلمان و متعدد هستند." همانجا) ولی از ستم و شرارت های غرب رنجیده اند از غرب و سرمایه داران و پولداران کفالت کاری هایی ندیده اند و از حکومت سرمایه پر ذهن آنها وحشتی مستولی نیست و مخالف کنده شدن دست بخش خصوصی از تصمیم گیری های اصولی هستند و نمی خواهند که سرخ قضیه دست دولت باشد " و از این گونه افراد هم " در بین مراجع هست، توی شورای نگهبان هم... هست، توی مجلس شورای اسلامی هم... هست، توی دولت هم... هست، توی کارخانه ها (۱) نهادها و مردم هست... " که طبق بیانات آقای "صدیق" فکر می کنند: " که نمونه هایی که در کشورهای کمونیستی ما داریم می بینیم که هر چه دولت ها مستبدتر و حاکم تر شدند وضع مردم بدتر شده و کشورهای کمونیستی که اصلا خدایشان هم اقتصاد است، (۱) اقتصادشان شکست خورده (۱) و هر چه بطرف دولتی کردن برویم بخش خصوصی از نشاط می افتد، فعالیتش کمتر می شود، ضربه می خورد، اقتصاد و تولید ضربه می خورد، توزیع نامنظم می شود، این اشکالاتی است که معروف است و مکرر از امپریالیسم خپری و

کفالت کاری هایی که سرمایه داران در این مملکت کرده و می کنند چندشان می شود؟ چهارم آنکه: بازم بدلیل ترسو بودنشان از "طغیان" مردم می ترسند.

پنجم آنکه: از حرف های اینها بفهمی نفهمی بوی و رنگ کمونیستی (۱) می آید. و امداسته دوم: اینها یک گروهی هستند سرحال و بانشاط و فعال و دمکرات و آزادی خواه و دوستدار بهبود وضع مردم و مخالف احتکار و طرفدار توزیع منظم که نمی خواهند به اقتصاد و تولید ضربه بخورند، مخالف کمونیسم و کشورهای کمونیستی هستند که هر چه دولت ها مستبدتر و حاکم تر شدند وضع مردم بدتر شده " و وضع تولید و توزیع نامنظم شده است (۱) قبل از آنکه به نتیجه گیری از سخنان "گوینده صدیق" بپردازیم ضروری است در حاشیه یادآور شویم که اگر شاخص سوسیالیسم استبداد، اقتصاد شکست خورده، تولید ضربه خورده و توزیع نامنظم باشد، ج.ا. یکی از "کمونیستی" ترین کشورهای جهان است! بهتر است سخنگویان "صدیق" ج.ا. که شلاق و شکنجه، زندان و اعدام و سرکوبی کردن خانواده ها و بستگان زندانیان سیاسی را شیوه عادی حکومت خود ساخته اند، سه بار دهان خود را آب بکشند و بعد از این هم با پر زبان آوردن تصنیفات امپریالیسم خپری معلم دمکراسی و اخلاق برای دیگران شوند.

برگردیم بر سر مطلب و ببینیم منظور آقای گوینده "صدیق" از این بافندگی ها چیست؛ تمام این باصطلاح تجزیه و تحلیل ما و توصیف و تفسیر ما برای طرفه رفتن از بیان این واقعیت است که اکثریت قاطع مردم زحمتکش میهن ما از جمله زحمتکشانی که بهیچوجه نمیتوان ادعا کرد که "خدایشان اقتصاد است" همچنان پیگیرانه خواستار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند. بخش مهمی از خواست های آنان در قانون اساسی که به تایید همه مراجع عظام رسیده است بازتاب یافته است. علیرغم این همه اقلیت ناچیزی یعنی سرمایه داران بزرگ و زمینداران کلان که اینک از جمله به همت سازشکاران فرصت طلبی همچون خود آقای رفسنجانی بر مقدرات توده ها حاکم شده اند و نمایندگان آنها که هم در بین مراجع هستند هم شورای نگهبان و هم در مجلس، در دولت و هم در نهادها از اساس با این خواست های مردم مخالفند. ما هم تسلیم آنها شده ایم و مبلغ نظریات و خواست های آنان. ما به مردم و اهداف انقلاب خیانت کردیم، ما میراث شهیدان را به امپریالیسم و متحدان طبقاتیش فروختیم و خود به خدمت آنها در آمدیم و اینک برای آشتی با شیطان بزرگ لاله می زنیم. آری چون اینها را صاف و صریح و پوست کنده و صادقانه نمی تواننده مردم بگویند، از آن حرف های آنچنانی به هم می بافند.

سرمایه داران و کارگزاران آنها) شنیده اید این هم یک طرز تفکر است که وجود دارد. "همانجا" ... این فکر... چیزی نیست که مخصوص یک طبقه باشد. تحصیل کرده ها، دانشگاهیان، طلبه ها، علماء کارگران هر دو جور را دارند. "همانجا)

خب! حال از این سخنان آقای "صدیق" چه چیز دستگیرمان می شود؟ اول آنکه حاکمیت ج.ا. از صدر تا ذیلش در تب بحرانی عمیق می سوزد و اختلاف نظر و طبعاً اختلاف عمل بر تمام دستگاه های حاکمیت ج.ا. از مراجع گرفته تا شورای نگهبان، مجلس و دولت و نهادها حکمفرما است. وقتی در یک دستگاه و نظام حکومتی اختلاف نظر و عمل در ارکان های آن تا این حد ژرف و گسترش پیدا کرد دیگر بآن اختلاف نظر نمی گویند و اسم آن می شود بحران عمیق.

نکته دیگری که از سخنان آقای "صدیق" دستگیر ما می شود این است که گویا نیمی از کارگران ایران گرفتار اختلال مشاعر شده اند و با یا فشاری و اصراری عجیب میل دارند که توسط سرمایه داری وابسته بیرحمانه غارت شوند و خیلی هم نگران آن هستند که مبادا "سرخ قضیه بدست دولت بیفتد" و در نتیجه خدای ناکرده به نشاط سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان لطمه وارد آید! و چه بسا که اصلا نشاطشان را بکلی از دست بدهند، از این روتوگویی که شب زرو دست دعا بر آسمان برداشته و از خدای طلبند که خدایا، خداوندگارا، اگر ما مسکن نداریم، اگر بهداشت نداریم، اگر گوشت کیلویی ۱۵ تومان و برنج کیلویی ۷۰ تومان نمی توانیم برای زن و فرزندان خود تهیه کنیم، اگر بچه های ما مدرسه و معلم ندارند، اگر در فقر و نکبت غوطه می خورند هیچکدام مهم نیست، اگر ثروت های ملی ما هم به تاراج رفت مهم نیست، بر سر میهن ما هم هر چه رفت، رفت، ولی تو خودت کار دان و کارسازی هر جور می دانی این نشاط سرمایه داران را حفظ بفرما! که برای ما چیزی از آن با ارزشتر وجود ندارد.

نکته سومی که از گفته های آقای "سخنگوی صدیق" میآموزیم این است که گرایش گروه اول به اقتصاد باصطلاح دولتی دارای یک سلسله علل روانی، اخلاقی و بهداشتی است: اول بدلیل آنکه: ترسو هستند و از تسلط سرمایه می ترسند. دوم بدلیل آنکه: نازک نارنجی هستند و از "فساد و شرارت های غرب رنجیده اند" سوم آنکه: بدلائل بهداشتی از دیدن

**مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان**



# خاطرات شهید خسرو لطفی از روزهای انقلاب

رفیق خسرو لطفی در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر قائم‌شهر (شاهی سابق) به دنیا آمد. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه در دانشکده مکانیک دانشگاه صنعتی تهران به ادامه تحصیل پرداخت. شهید لطفی همواره در برابر مطالب اجتماعی حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت و به همین جهت، سراسر دوران کوتاه دانشکده را به مبارزه علیه رژیم سرتنگون شده سلطنتی گذراند. این عامل تعیین‌کننده‌ای در اخراج او از دانشکده بود. رفیق لطفی در اواخر سال ۱۳۴۴، هنگامی که برای گذراندن دروس عملی خود در کارخانه ماشین‌سازی سایپا (ژیان) سرگرم کار شد، شاهد اعتصابات گسترده پیش از هزاران تن از کارکنان این کارخانه بود که در مقابل ظلم سرمایه‌داران بپا خاسته و از حقوق مشروع خود و نیز برای دریافت سودویژه‌ای که حق آنان بوده به اعتصاب متوسل شده بودند. شهید لطفی با هیجانی بیش از دیگر دانشجویان، این اعتصاب را دنبال می‌کرد و نیز شاهد بود که مأموران ژاندارمری چگونه تفنگ و مسلسل به دست در برابر کارگران صف کشیده و منافع سرمایه‌داران را حفظ می‌کردند.

پس از آنکه رفیق خسرو لطفی به خاطر شرکت فعال و سازماندهی اعتصابات دانشجویی دانشکده مکانیک، به همراه بیش از ۲۰ دانشجوی دیگر از دانشکده اخراج و به عنوان گروهیان وظیفه به قوچان فرستاده شد. شهید لطفی در یکی از رفت و آمدهایش به تهران، با اعضای سازمان مخفی حزب توده ایران تماس گرفت. رفیق لطفی عضویت خود را در حزب، این گونه توضیح می‌داد:

"خوشحالم از این که به یک مجموعه جهانی از انقلابیون که پاسدار منافع زحمتکشانشانند، پیوسته‌ام".

شهید لطفی در مراعات اصول مخفی کاری در دوران مبارزه علیه شاه و نیز در افشای طرح‌های محرمانه رژیم ضد مردمی شاه آمریکایی علیه توده‌های مردم ستم کشیده ایران نهایت کوشش را به کار می‌برد. او برای اجرای قرارهای سازمانی از قوچان به تهران می‌آمد و به قول خودش: "آخر

## همراه خلق در سنگر

اضطراب و لاعلاجی پرسیدند: آخر چطور؟

- باید سنگر درست کنیم، خیابانها را به روی عبور نیروهای گاردی ببندیم؛ با هر چه دم دستمان است برای دفاع و حتی حمله، اسلحه بسازیم ... از کوکتل مولوتف شروع می‌کنیم.

در عرض نیم ساعت نزدیک به ۱۰۰۰ گونی و ۱۵۰۰ شیشه بیسی و ودکا و غیره جمع شد. فورمول ساختن کوکتل مولوتف را نوشتیم و به دست چندتا از جوان‌های پرحرارت دادیم. آنها با شور زایدالوصفی، بلافاصله شروع به کار کردند. کارگاه بمب‌سازی را به کنار دیوار یک گاراژ بزرگ که از محیط مسکونی دور بود، منتقل کردیم. هر کس به کاری مشغول شد، وظایف مختلف به تیم‌های جداگانه محول شده بود. بعضی سنگر می‌کنند، برخی با خاک و ماسه گونی‌ها را پر می‌کردند. عده‌ای بمب‌های شیشه‌ای را در سنگرها

"... در تقاطع تهران نو - قاسم آباد، جمعیت در بین شعارهای "الله اکبر" فریاد می‌زدند:

- رهبران، رهبران، ما را مسلح کنید.

چهره‌ها پر از خشم و سرگشتگی بود. در حالی که سراپا آماده هجوم به قلب مرگ و خطر بودند و مثل سیر و سرکه دردم می‌جویدند، نمی‌دانستند با دست خالی چه بکنند. گروهی از آنها را جمع کردیم و گفتیم:

- درست نیست، همین طور دست روی دست بگذاریم. بیا دادن شعار دلمان را خوش کنیم. انقلاب وارد مرحله مسلحانه شده و به زودی تمام شهر را می‌گیرد، چندتا از جوانها با آشفتنی گفتند:

- چکار می‌توانیم بکنیم؟ گفتیم:

"باید به مبارزان نیروی هوایی کمک کنیم، وگرنه گاردی‌ها ناپودشان می‌کنند. همه با

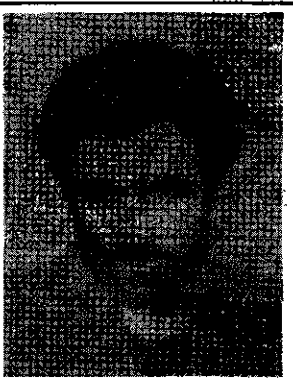
توزیع می‌کردند. سراسر خیابان به یک جبهه فعال تدارک جنگ می‌ماند. چند نفر هم با یک اتوموبیل ژیان مشغول جمع‌آوری پنبه، الکل، باند، ملحفه و سرنگ برای بیمارستان بودند. آن هرج و مرج و سرگردانی اولیه، جای خود را به نظم هیجان انگیز و پرتلاشی داده بود. پس از آن که سنگرهای خودمان برپا و مجهز شدند، شروع به توزیع کوکتل مولوتف‌ها در محله‌ها و خیابانهای اطراف کردیم. نزدیک ظهر نیروی کمکی گارد با ۷ اتوموبیل ریو سر رسیدند. مادر سنگرها آماده حمله به آنها بودیم. بعضی از مبارزان روی بام‌ها کمین کرده بودند. مردم شور و شهادت افسانه‌واری برای نبرد و درآویختن با همه خطرات آن داشتند. این نخستین نبرد ما بود و دل‌هایمان از شدت بی‌تابی و هیجان مثل دهانه یک آتشفشان بود که در یک لحظه هر هفت "ریو" در دود و آتش کم شدند. یکی از گاردی‌ها در داخل اتوموبیل سوخت و غریب مردم مسلح، چون تندر خیابان را به

هفته را در اتوبوس می‌گذراند. انضباط فوق‌العاده، وفاداری به آرمان‌ها و اصول حزبی، قروتنی و هشیاری و اراده آهنینش به زودی وی را در ردیف کادرهای برجسته سازمان مخفی حزب توده ایران (نویید) قرار داد و پس از پایان خدمت سربازی، مسئولیت سازمان نوید را در مازندران به عهده گرفت. در جریان محاکمه خسرو لطفی از جمله گفته شده است:

"خسرو لطفی هنگامی که دوران سربازی خود را طی می‌کرد، مقداری کارت پایان خدمت سفید برای حزب آورده بود". اما قلم‌ها و روزنامه‌هایی که امروز - به روال سابق - نقش توجیه‌گر جنایات سیاه ارتجاع حاکم بر ایران را دارند، از نوشتن این نکته سرباز زدند که رفیق لطفی دوران سربازی خود را پیش از انقلاب گذرانده بود. وی در آن زمان کارت‌های سفید پایان خدمت را به انقلابیون حرفه‌ای و کسانی که ساواک با داشتن "حق تیر" با آنان روبرو می‌شد، سپرده بود. یعنی به کسانی که ساواک می‌توانست به محض مواجهه، آنان را به گلوله ببندد و از این بابت مورد موه‌آخذه هم قرار نگیرند. این "جرم"، مهم‌ترین مورد کیفرخواست دادستان جمهوری اسلامی را تشکیل می‌داد.

شهید لطفی در دوران انقلاب و به خصوص روزهای ۲۰ و ۲۲ بهمن در سازماندهی مقاومت مردم نقش فعالی داشت و یکی از دستگیر کنندگان سرلشکر ریاحی بود. (این هم "جرمی" که جمهوری اسلامی مجازات اعدام را به خاطر ارتکابش به مرحله اجرا درآورد) رژیمی که تیسار فردوست را به خدمت می‌گیرد، باید هم دستگیر کنندگان تیسار ریاحی را تیرباران کند.

با هم خاطرات این رفیق شهید را می‌خوانیم. یاد در نظر داشتن این نکته که رفیق لطفی به خاطر قروتنی و خلوصش، به نقش برجسته خود در سازماندهی مقاومت علیه گارد شاهنشاهی چندان نپرداخته است. آنچه که در بی‌می‌آید، خلاصه‌ای از خاطرات شهید لطفی است که در روزنامه "مردم"، ویژه نامه اولین سالگرد انقلاب چاپ شده است:



رفیق شهید خسرو لطفی

لرزه درآورد. من و رفقای دیگر مرتب به سنگرها سرکشی می‌کردیم. نه، این توده‌های مسمم و از جان گذشته واقعا غیر قابل شکست بودند.

آن‌ها حاضر بودند تا به اعماق جهنم هم یورش ببرند.

یک افسر نیروی هوایی که صورتش را با دوده سیاه کرده بود، خودش را به من رساند. در دستش یک مسلسل یوزی بود. مردم چون یک سردار فاتح از او استقبال می‌کردند... برایش کف می‌زدند و

بقیه در صفحه ۹



# خاطرات شهید خسرو لطفی از روزهای انقلاب

بقیه از صفحه ۸

صورت سیاهش را بارها و بارها غرق بوسه می کردند. افسر قهرمان وقتی سنگرهای آماده و نتیجه نخستین پیروزی مردم را دید، بغضش ترکید و اشک پنهانی صورتش را خیس کرد. از من پرسید:

ما این سنگرها را شما مهیا کرده اید؟  
گفتم: بله.  
گفت: دستتان درد نکند، مرا باش که آمده بودم بگویم راه پندان کنید و سنگر بسازید، اما مردم پیشاپیش همه کارها را روپراه کرده اند.  
گفتم:

صحنه بودند، کف می زدند. ما دوباره به سوی سنگرها رفتیم. می دانستیم که لحظه نبرد واقعی، نبرد مرگ و زندگی، به سرعت فرا می رسد....

## سرلشکر ریاحی را اسیر کردیم

ما بسبب های آتش زا را روی تانک هایی که زیریل فوژی به دام افتاده بودند، انداختیم و مردم با کوکتل های مزولتف دریایی از آتش به سوی آنها سرازیر کردند. گاردی هایی که از درون تانکهای شعله ور گریختند، با گلوله درو شدند. از داخل یکی از تانک های



یکی دیگر از کتیرهای کهن در روز پیروزی انقلاب  
ما حتما پیروز می شویم.  
: برق عجیبی در چشمهای درخشید و گفت:  
- حتما!  
پاهایم را محکم به تم کوبیدم و به حالت خبردار نظامی گفتم:  
- ارتش خلق در قاسم آباد تا پای جان در اجرای اوامر برادر فرمانده گوش به فرمان است.  
سلام نظامی داد و با لحن رسمی محکمی گفت:  
- ارتش خلق ایران گوش به فرمان آزادی است ... پیش به سوی آزادی... و سپس دستم را به گرمی فشرد و با قامت استوار دور شد. رفقا و مردم که ناظر این

# مسخ شوراهای روستایی، گامی دیگر در روند بازگشت انقلاب

بقیه از صفحه ۱۲

شوراهای واقعی و تمام عیار بدل شوند.

حزب توده ایران که پرچم دار و وارث سنن انقلابی درخشان زحمتکشان ایران است، به شوراهای روستایی به مثابه دستاورد مهم جنبش دهقانی می نگریست و با برخوردی روشنگرانه و اصولی نقاط ضعف این شوراهای را خاطر نشان می ساخت و برای دستیابی شوراهای روستایی به مقام واقعی خود تلاش و مبارزه می کرد.

## سرنوشت شوراهای روستایی، جدا از سرنوشت انقلاب نیست

آنچه طی پنج سال بعد از انقلاب بر شوراهای روستایی گذشته، جدا از رویدادهایی نیست که بر مجموعه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران رفته است.

با چرخش به راست هیات حاکمه و با خیانت به اهداف انقلاب، این دستاورد مهم جنبش انقلابی - دهقانی نیز مورد هجوم قرار گرفت. با رکود و سپس بازگشت انقلاب، بازگشت مالکان به ده آغاز گشت. مالکانی که ابتدایی ترین حقوق روستاییان زحمتکش را لگدمال می کنند. بنا به سرشت زالو صفقانه و استثمارگرانه خود، طبیعتا حق شرکت روستاییان را در امور مربوط به سرنوشت خود به رسمیت نخواهند شناخت.

نباید فراموش کرد هنوز روند بازگشت انقلاب به مرحله ای نرسیده که ارتجاع حاکم بر ایران، شوراهای روستایی را به کلی منحل کند. در واقع هنوز ابزار قانونی آن را تدارک ندیده است. لذا سیاست مسخ کامل شوراهای روستایی بهترین و عملی ترین سیاستی است که در حال حاضر می تواند در پیش گیرد. امروزه حاکمیت تلاش دارد شوراهای روستایی به وظایف اساسی خود نپردازند، بلکه به اموری به کلی بی اهمیت و به وظایف اشتغال ورزند که در واقع وظیفه دیگر سازمانهای محلی نظیر انجمن های اسلامی و فرهنگی و تبلیغاتی و غیره است. گفته وزیر جهاد سازندگی در زمینه عملکرد ۲۹ هزار شورای

روستایی دلیل این مدعاست. او می گوید:  
"شوراهای اسلامی روستایی در سراسر کشور در زمینه کمک به تولید کشاورزی، بالا بردن قدرت بسیجی این شورا، زیر نظر روحانیت متعهد برای سوادآموزی و بالا بردن فرهنگ اسلامی در روستاها عمل می کند" (اطلاعات ۱۸ اسفند).

امروزه کمک جهت جمع آوری امکانات مالی و انسانی لازم برای ادامه جنگ بیهوده و خانمان برانداز، یکی از مهم ترین عمل کردهای شوراهای روستایی است. مسئول هماهنگی مرکز شوراهای اسلامی جهاد سازندگی بپرسند در مورد ۹۰ شورای روستایی بپرسند می گوید:  
"همچنین تعداد ۱۲۸ تن از اعضای شوراهای اسلامی جهت آشنایی و بررسی نیازهای جبهه های جنگ به مناطق جنگی اعزام شده اند".

با گسترش روند بازگشت انقلاب، حاکمیت خائن تلاش دارد شوراهای روستایی را روز به روز بیشتر از مسیر اصلی خود منحرف سازد و از محتوای طبقاتی و انقلابی خود تهی کند. طبیعی است چنین شوراهایی، تجلی گاه آرای عمومی روستاییان در اداره امور کشور نخواهند بود. تنها در شرایط حاکمیت دمکراتیک و انقلابی است که شوراهای روستایی، مظهر اراده و عمل دهقانان زحمتکش خواهند بود.

## تصحیح و بپوش

متاسفانه در مقاله "ایران در سالی که گذشت" "راه توده" شماره ۸۵ اشتباهانی رخ داده است: در ستون چهارم از صفحه ۹ عبارت "صدما تن دیگر..." دهها هزار تن درست است. در ستون اول از صفحه ۱۵ عبارت "روزان نزدیک به ۲۵۰ میلیون..." ۷۰ میلیون درست است.

# تقلاهای عبث برای جدی جلوه دادن مضحکه انتخابات

بی تفاوتی مطلق اقتدار مختلف مردم نسبت به بازی شرم آوری که حاکمیت جمهوری اسلامی به نام "انتخابات" به راه انداخته، نگرانی عمیق آنان را سبب شده است. توده های مردم طی این پنج سال با تجربه تلخ شخصی دریافته اند که حاکمیت جمهوری اسلامی حق دخالت در تعیین سرنوشت خویش را برای مردم ایران به رسمیت نمی شناسد. مگر نه اینست که "شورای نگهبان" طی این پنج سال جز دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی کاری انجام نداده و از نامزد شدن همه کسانی که وفادار به توده های زحمتکش خلق بوده اند، برای نمایندگی مجلس جلوگیری کرده است؟ "شورای نگهبان" مردم را در این مدت فقط فشار تهدید اخراج از کار و قطع چیره مواد اولیه غذایی در "انتخابات" شرکت کنند و از سوی دیگر میان "شمر" و "یزید" که صلاحیت مردوشان را تایید کرده یکی را برگزینند. مگر بر اثر "نگهبانی" این "شورا"، دزدان و فارتگران پرونده داری مانند آقایان پوراستاد و خاموشی، با سلام و صلوات وارد مجلس نشدند و با تقویت جرگه ارتجاع حاکم، انقلاب شکوهمند بهمین راه ورطه مسخ و شکست قطعی نکشاندند؟

اما رژیم خونخوار حاکم بر ایران هم مانند سلف خود، شاه و دیگر رژیم های جنایتکار و مستبد سراسر جهان احتیاج به عوام قریبی و تقاضای احترام به عقاید مردم دارد. چرا که مردم دیگر خوب می دانند این گونه دروغ ها هم مانند دروغ های رژیم شاه مبنی بر خواب نما شدن و کتک های حضرت عباس به او، دلیلی بر هیچ نیابت و ماموریتی از جانب "امام غایب" نیست و حاکمیت این دروغ بزرگ را برای توجیه حاکمیت انحصاری و دیکتاتوری خونین خویش ابداع کرده است. مردم این حقایق را دیگر دریافته اند و از این مضحکه انتخاباتی سخت متنفر و نسبت به

آن بی اعتنا شده اند. از این روست که حاکمیت تمام نیروی خود را به کار گرفته تا چهره زشت "انتخابات" را کمی بپاراید و با تشریح و التماس به پای دانشجویان افتاده است و از آنان استمداد می طلبد با شرکت خود در "انتخابات" به آن انگ "آزاد" بزنند!

ظاهرا دستاویز کارزار کلونی برای تشویق دانشجویان به شرکت در "بازی" این است که چند تن از تئوریسین های ارتجاعی ترین جناح های حاکمیت جمهوری اسلامی آنچه نباید می گفتند، به زبان آوردند! آنان آشکارا گفتند که روحانیت حق کاندیدا کردن و انتخاب شدن را انحصارا متعلق به خود می داند و کسانی که "علم الادیان" نخوانده اند و به درجه اجتهاد نرسیده اند حق "دخالت" در این کارها را ندارند. آنان مدعی شدند که در ایران حکومت "الله" برقرار است و این حکومتی است که رسالتش "از آدم (ع) شروع و به خاتم (ص) پایان یافته و سپس امامش به اولاد علی (ع) واگذار شده و اینک حکومت حق "بقیه الله الاعظم" است که خودش غایب ولی "نایب برحق رهبر انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران است."

اما مردم می پرسند پس در چنین "حکومت الهی" که آراه مردم در آن ارزشی ندارد و هر چه بگویند ناشنیده باقی می ماند و هر چه "ولی فقیه" بگوید حجت است، به هدر دادن پول و وقت گرانبها برای انجام یک کاری بی حاصل چه معنایی دارد؟ بگذار خودشان ببرند و بدوزند! ناکفته نیداست در پیش گرفتن چنین سیاستی انزوی حاکمیت را در میان توده های زحمتکش خلق کامل می کند. از همین رو سردمداران جمهوری اسلامی می کوشند برای مقابله دست به کاری بزنند.

نخست آیت الله خمینی کسانی را که انتخابات را حق مجتهدین دانسته بودند نفی کرد و سپس آیت الله منتظری با ذکر

جزئیات بیشتر خواهان شرکت دانشگاهیان در انتخابات شد. به دنبال ایشان حجت الاسلام خوئیینی ها و آقای فخرالدین حجازی را به دانشگاه فرستادند تا برای دانشجویان سخنرانی کنند و آنان را از این حالت بی تفاوتی بیرون بیاورند.

اما آن کس که در این میان حرف رک و قاطع اکثریت مرتجع و قشری حاکمیت را همچنان تکرار می کند آقای ناطق نوری، وزیر کشور است که برخلاف آقایان منتظری و خوئیینی ها، اهرم واقعی را در دست دارد. او برای حرفهایی که تحقیق مردم و دانشگاهیان را هدف قرار داده، گوش شنوایی

ندارد و وظیفه ای که "استادازل" به عهده اش گذاشته، مو به مو اجرا می کند.

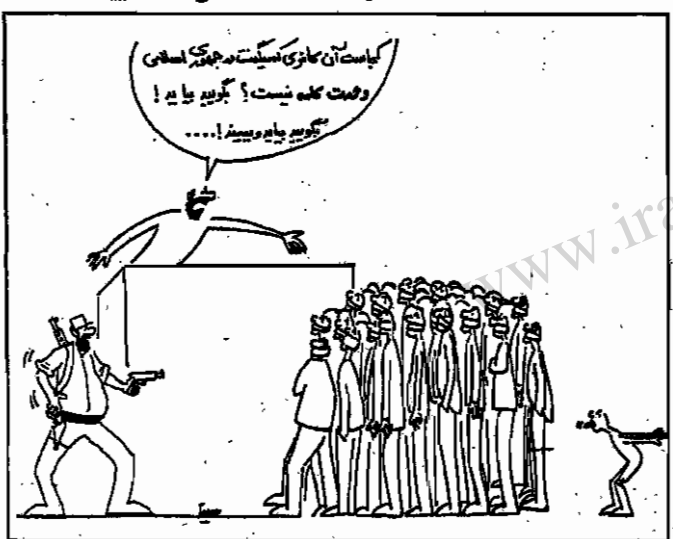
آقای ناطق نوری، روز بیست و یکم اسفند ماه در یک مصاحبه مطبوعاتی مطالبی در مورد انتخابات عنوان کرد که بسیار در خور توجه است.

او گفت انتخابات روز ۲۶ فروردین انجام می شود و کلیه کاندیداها می توانند از روز ۲۸ اسفند به مدت یک هفته با مراجعه به وزارت کشور و یا حوزه های انتخابیه خود، اقدام به ثبت نام کنند. سال ۱۳۶۲، سال کبیسه بود و اسفند ماه، ۲۰ روز داشت. روز سی ام اسفند ماه بعد از ظهر سال تحویل شد. به این ترتیب، آقای ناطق نوری تنها روزهای

نیمه تعطیل ۲۸ و ۲۹ اسفند را در اختیار کاندیداها گذاشت. روزهایی که مردم به علت فرا رسیدن نوروز و تعطیلات آن به کارهای شخصی خود می رسند، بدیهی است در طول تعطیلات رسمی نوروز، وزارت کشور نیز تعطیل است.

در نتیجه یک هفته آقای ناطق نوری به دو روز در شب عید که مردم هیچ فرصتی ندارند، تبدیل شد.

البته این ثبت نام، هنوز آخر کار نیست. "وزارت کشور سپس صلاحیت کاندیداها را بررسی می کند و اسامی آنان اعلام خواهد شد." کسانی که تایید شدند ۲۳



روز فرصت خواهند داشت تا برنامه های تبلیغاتی خود را انجام دهند. "در اینجا آقای ناطق نوری نکته ای را می گوید که رسوایی بازی شرم آور "انتخابات" را به کلی برملا می سازد. او یادآور می شود:

"اگر کاندیدایی قبل از تایید صلاحیت خود اقدام به امور تبلیغاتی نماید این امر به عنوان یک امتیاز مدنی در تعیین صلاحیت و یا تصویب اعتبار نامه او در نظر گرفته می شود."

ملاحظه کردید؟ حتی تصویب اعتبار نامه هم در "کف با کفایت" آقای وزیر کشور است نه خود مجلس! در عین حال سربه زیر بودن و حرف شنوی داشتن یک امتیاز بقیه در صفحه ۱۱

# حاکمیت سرکوبگر ج.ا. از اعلام سرنوشت توده‌های محاکمه‌شده وحشت دارد

از برپایی دادگاه‌های فرمایشی اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستانها، بیش از دو ماه می‌گذرد. این دادگاه‌های فرمایشی که ضوابط تشکیل آنها با هیچ یک از موازین حقوقی و انسانی مورد پذیرش جوامع متقدم هم خوان نیست و حتی با قوانین و آیین‌نامه‌های دادرسی مصوبه مراجع قضایی جمهوری اسلامی نیز مغایرت تام دارد، تنها بر اساس دستورالعمل نامعلوم آرسالی از مرکز، "متهمان" را محاکمه و حکم صادر می‌کند. سلب حق داشتن وکیل مدافع، نقض اصل علنی بودن دادگاه‌ها - که بر اساس تبصره ماده ۹۶ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب، صلاحیت دادگاه راتضمین می‌کند - فقدان وجود مدرک و سند معتبر برای اثبات "اتهامات" وارده و... از ویژگی‌های اصلی این دادگاه‌های فرمایشی است که اعتبار "محکمه بودن" آنها را به کلی ساقط می‌کند.

روزنامه‌های مجاز کشور از آغاز بهمن ماه سال پیش، خبر برپایی محاکمات فرمایشی اعضا و هواداران حزب توده ایران را در استان‌ها و شهرهای مختلف ایران: کرمان، ارومیه، شیراز، بوشهر، شاهرود، کازرون، بهبهان و آغاچاری، لاهیجان و لنگرود و رشت و رامسر به چاپ رساندند.

طبق اعلام دفتر دادستانی انقلاب اسلامی شیراز، تنها احکام ۸ تن از اعضای حزب در کازرون، براساس گفته رییس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، احکام ۲۳ تن از "هواداران ساده

حزب" در آذربایجان شرقی و طبق اظهاردهستان انقلاب اسلامی رامسر تنها احکام ۵ تن از اعضای حزب در این شهرستان صادر شده است. از احکام صادره در مورد "۲۰ تن از اعضا فعال حزب در بوشهر" که آغاز محاکمات فرمایشی آنان در اطلاعات - ۱۰ بهمن اعلام شده، خبری منتشر نشده است. این مطلب در باره "حدود یک صد تن از اعضای حزب در کرمان" که آغاز محاکمات آنان "طی چند روزه آینده" در اطلاعات ۶ بهمن درج شد و نیز "۴۰ تن از اعضا و هواداران" حزب در رشت و "۱۱ تن از اعضا شبکه مخفی و علنی در شیراز"، هم چنین اعضا و هوادارانی که پیش از یک سال است در زندان‌های بهبهان و آغاچاری، لاهیجان و لنگرود و شاهرود و... اسیرند نیز صادق است.

سردمداران جمهوری اسلامی که هم‌چنان از انتشار لیست بیش از ۸۵۰ توده‌ای در بند احتراز می‌کنند، می‌کوشند با طفر رفتن از اعلام سرنوشت تعداد معدودی که ناگزیر برپایی محاکماتشان را منتشر ساخته‌اند، ایجاد جنایاتی را که مرتکب شده‌اند ناچیز جلوه دهند. طبق ماده ۸ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب اسلامی که در مجموعه قوانین سال ۵۸ نیز به چاپ رسیده: "مدت دادگاه(ها) حداکثر یک هفته خواهد بود".

نقض این ماده که به خودی خود، اصلت حقوقی محاکم دادرسی را خدشه پذیر می‌سازد، اکنون که با "برده پوشی‌ها" و "مخفی‌کاریهای

خیانت باری همراه است، از توطئه‌هایی که برای درهم شکستن و اعمال شکنجه بیشتر بر "متهمین" تدارک دیده شده، حکایت می‌کند.

مردم ایران و خانواده‌های توده‌ای‌های دربند، حق دارند از سرنوشت فرزندان و بی‌گناهی‌ترین پشتیبانان خود با خبر شوند. سردمداران جمهوری اسلامی، حتی این حق را هم محترم نمی‌شمارند!



## تقلای عبث برای جدی جلوه دادن...

برای "تایید صلاحیت" آیا از این آشکارتر می‌توان ثابت کرد که در جمهوری اسلامی انتخابات به معنای واقعی وجود ندارد؟ ضمناً باید افزود به فرض که وزارت کشور و شورای نگهبان در نخستین ساعات روز پنجم فروردین هم صلاحیت کاندیداها را اعلام می‌کردند باز فقط بیست و یک روز وقت برای تبلیغ در اختیارشان می‌ماند نه بیست و سه روز. این همه دروغ و تزویر برای چه؟

تصور نشود که همه این محدودیت‌ها برای احزاب و گروه‌های مترقی و ملی است، نه این گروه‌ها و احزاب اصلاحی کاندیدا داشتن را ندارند و از حقوق اجتماعی محروم‌اند. محدودیت برای مسلمانان متعهد به ولایت فقیهی است که از عهده پاسخگویی به شرایط دلخواه سرمایه‌داران و بزرگان مالکان پرنیامده و احتیالاً طرفدار کارگران و دهقانان و احترام به

### بقیه از صفحه ۱۰

زنان هستند.

آقای فخرالدین حجازی در جمع دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک اعتراف کرد:

"این درد است که دانشگاه حرکت و جنبش ندارد. چرا دانشگاهی که در ایجاد و پیروزی انقلاب نقش موثری داشته، در تداوم آن ساکت مانده است. این هشدار است که چرا دانشگاه حالت انفعال پیدا کرده است." البته تصور نمی‌رود که آقای حجازی اینقدر بی‌اطلاع باشد که علت سکوت دانشگاه را نداند. گویی نخستین بار است که در باره سرکوب جنایتکارانه دانشجویان، کشته شده‌ها و شکنجه شده‌ها در زندان اوین و بالاخره عدم نام نویسی از دانشجویانی که در پیروزی انقلاب سهم فعالی داشته‌اند چیزهایی به گوش

می‌خورد. ولی مردم و خود دانشجویان از نقش بسیار منفی خود آقای حجازی در روند مسخ و شکست انقلاب باخبرند و می‌دانند آقای حجازی وقتی می‌گوید: "ما در جامعه دانشجویی، تکامل انسانی، معنویت، هویت انسانی، دوستی، شرافت، کرامت بشری، بلوغ و صدق می‌خواهیم" در واقع آنچه را که خود ندارد از دیگران تمنا می‌کند.

آقای حجازی، بدون کوچکترین احساس شرمی به دانشجویان توصیه می‌کند:

"در حکومت شرکت کنید، زیرا حالا مانند زمان طاغوت نیست که زیر فشار باشید".

به آقای حجازی توصیه می‌کنیم گاه گاه سری به شکنجه‌گاه اوین و "لعنت آباد"

بزنند تا با زنده و مرده انقلابیون پیش از انقلاب آشنا شود و سخنان خود را قبل از بر زبان آوردن کمی سبک سنگین کند.

اما با مضمون سخنان آقای خوشبینی‌ها در دانشگاه می‌توان موافق بود که "دشمن می‌خواهد با ایجاد جو فعلی، مذهب‌هایی روی کار بیاورد که مسائل سیاسی را نهمند ورد پای آمریکا را نتوانند پیدا کنند و تشخیص اینکه خودشان دارند پایگاه آمریکا می‌شوند را نتوانند بفهمند".

ولی گویا آقای خوشبینی‌ها خود متوجه نیست که دشمن این کار را مدتهاست انجام داده و "مذهب‌هایی را روی کار" آورده است که اکثریتشان از روی آگاهی و اقلیتشان بر اثر کم‌آگاهی پایگاه آمریکا شده‌اند مگر خود ایشان را مأمور نکردند در مراسم حج شعار "مرگ بر شوری" را در دهان حاجیان بگذارند؟ از این بدتر هم می‌شود پایگاه آمریکا شد؟

## در هفته ای که گذشت:

### حاکمیت ج.ا. خواست پایان جنگ را نادیده می گیرد

به موازات گسترش اعتراضات مردم ایران علیه ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق نیروهای ترقی خواه و دمکراتیک جهان نیز پایان این جنگ خانمانسوز اصرار می ورزند. خادم ایندیراگاندی، رییس جنبش عدم تعهد بدابه تقاضای تعدادی از کشورهای عضو این جنبش و از جمله الجزایر، قرار است به زود اقداماتی به منظور برقراری آتش بس بین ایران و عراق و پایان دادن به جنگ میان دو کشور عمل آورد. اما رهبران جمهوری اسلامی به را خواسته مردم ایران و جهان، همچنان از ضرورت مبرم را نادیده می گیرند.

آقای ولایتی، وزیر امور خارجه جمهور اسلامی درباره مسئله میانچیکری دولت مردمی ضد امپریالیست الجزایر می گوید:

" هر نوع میانچیکری که انجام بشود به نفع حکومت صدام است و ما قاطعانه اعلام می کنیم که هیچ نوع میانچیکری از جانب ما پذیرفته نیست و قضیه ما و عراق از میانچیکری گذشته است" (اطلاعات ۲۲ اسفند).

و اضافه می کند:

" تکلیف این جنگ را مبارزین و مجاهدین تعیین خواهند کرد".

سران جمهوری اسلامی با این موضع گیری غیرمسئولانه و جنون آمیز در رد تقاضای نیروها: ترقی خواه جهان برای پایان دادن به جنگ، واقع نشان می دهند که حتی به قیمت انزوا: هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در میان نیروها: ترقی خواه و صلح دوست جهان نیز، خواها، ادامه کشتار مردم بی گناه و ویرانی هرچه بیشتر میهن ما هستند.

مردم انقلابی ایران و نیروهای مترقی جهان به گسترش اعتراضات خود، قطعی ترین نقش را در جلوگیری از اعمال این سیاست شوونیستی عظمت طلبانه ارتجاعی ایفا خواهند کرد.

### وحشت حاکمیت ج.ا. از "حساسیت کارگران"

هفته گذشته، تهیه کنندگان برنامه "کار کارگر" رادیوی جمهوری اسلامی در یکی از معدود برنامه های خود، چند دقیقه ای هم به مسئله قانون کار اختصاص دادند. در این برنامه مزبور کاردر مورد قانون کار توضیحاتی داد.

در این گفتگو آقای سرحدی زاده به جای تشریح قانون کار، به شیوه همیشگی خود، تبلیغ

بقیه در صفحه ۱۲

اخباری از این دست نشان می دهد که جنبش صلح طلبانه مردم ایران در حال اوج گیری است و روزی که مردم ایران به رغم ترغیب های حاکمیت جنگ طلب جمهوری اسلامی حرف نهایی خود را در زمینه پایان جنگ بین ایران و عراق و استقرار صلح عادلانه بین دو کشور بر زبان آورده، دور نیست.

### ادامه کشتار غیر نظامیان و تدارک دور جدید جنگ

روز ۷ فروردین ماه جاری، بر اثر بمباران جنایتکارانه ۲ روستا در منطقه اندیشک و بخش بل دختر خرم آباد توسط رژیم عراق، بیش از ۴۷ تن از هموطنان بی گناه و غیر نظامی ما کشته و بیش از ۸۴ تن مجروح شدند. همچنین طی این عملیات تعداد زیادی خانه ویران شد.

این بمباران ها در شرایطی صورت می گیرد که حاکمیت جمهوری اسلامی برای تحقق بخشیدن به نیت شوونیستی خود، تدارکات نظامی و سیاسی تازه ای برای دور جدید جنگ آغاز کرده است.

قرارگاه مرکزی قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای که روز ۵ فروردین ماه منتشر کرد، از کلیه نیروهای طرح "لیبیکی یا خینی" و همچنین افراد دیگری که در این طرح شرکت نکرده اند، خواسته است که تا ۱۲ فروردین ماه جاری، جهت ثبت نام و اعزام به جبهه های جنگ خانمانسوز به مراکز بسیج سپاه پاسداران مراجعه کنند.

از سوی دیگر در هفته ای که گذشت دونالد رامسفلد، فرستاده ویژه امپریالیسم آمریکا و هماهنگ کننده ارتجاع در منطقه خاورمیانه، از کشورهای عربی منطقه خلیج فارس دیدن کرد، او طی مسافرت خود به عراق با مقامات عراقی ملاقات هایی به عمل آورد. در همین ایام وزیر امور خارجه رژیم وابسته مصر به بغداد رفت و هم زمان با آن وزارت امور خارجه مصر تایید کرد که ارتشیان مصری رهسپار عراق شده اند تا در جنگ ایران و عراق شرکت کنند.

همه این اخبار حکایت از تدارکات ارتجاعی و امپریالیستی گسترده ای دارد که برای آغاز دور جدید دیگری از جنگ ایران و عراق صورت می گیرد. جنگی که به جز کشته و زخمی شدن دهها هزار تن از زحمتکشان دو کشور، ویرانی اقتصادی دو کشور، تسلط ام فزون ارتجاع پر دو کشور و تحکیم هرچه بیشتر حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس، ارمغان دیگری ندارد.

### گسترش جنبش صلح طلبانه و تشدید ناراضی مردم از ادامه جنگ

سیاست توسعه طلبانه حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه جنگ بی ثمر و خانمانسوز ایران و عراق، منجر به افزایش بی سابقه تلفات و خسارات انسانی و اقتصادی شده است. این موضوع روز به روز با زتاب اجتماعی گسترده تری در میان زحمتکشان میهن ما که قربانیان بلا واسطه این فاجعه ملی هستند، می یابد.

به دنبال افزایش بی سابقه سیل گریز جوانان زحمتکش بسیجی از جبهه ها به بهانه عید نوروز که بالاترین مقام حاکمیت جمهوری اسلامی را بار دیگر به میدان آورد تا با استفاده از اعتبار مذهبی خود، جوانان گریزان از میدان جنگ را به پایداری دعوت کند، خبرهای رسیده از کشورمان حاکی است که ناراضی و مخالفت زحمتکشان ایران با سیاست ادامه جنگ هرچه بیشتر گسترش می گیرد.

طبق گزارشات رسیده از ایران، ناراضی گسترده ای که در میان آوارگان جنگ بی ثمر و خانمانسوز ایران و عراق دیده می شود، به اعتراضات و ناآرامی هایی در میان آنان منجر شده است. آوارگان جنگی بیش از ۳ سال و نیم است که در شرایط دشوار در به دری و ناامنی بسر می برند و با مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی چون مشکل مسکن و برآوردن نیازهای اولیه زندگی، بیکاری، فقدان بهداشت و درمان و نامناسب بودن آموزش فرزندان خود و... دست به گریباندند.

این موضوع سران حکومتی جمهوری اسلامی را واداشته است در دیدارهای اخیر خود با آوارگان جنگی، آنان را به صبر و شکیبایی دعوت کنند و با موعظه های همیشگی رنج و محرومیت های خود ساخته شان را به عوامل ماوراء الطبیعه نسبت دهند و بگویند:

" خداوند آنها را در بوته امتحان قرار داده و هر کس صبرش بیشتر باشد اجرش بیشتر است" و آنها باید "کمبودها را تحمل کنند".

هم چنین طبق اخبار مطبوعات و گزارشات رسیده از ایران، در شهر رشت، پدران و مادرانی که کارگزاران حکومتی فرزندان آنان را یا ۴ اتوبوس، به جبهه های جنگ کسپیل داشتند، به اعتراض دست زدند و کوشیدند از ارسال فرزندان خود به جبهه ها و استفاده آنان به عنوان گوشت دم توب، ممانعت به عمل آورند.

# به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

## در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

سازش طبقاتی جهت خواب کردن کارگران را موضوع اصلی قرارداد و گفت:

"پیش از آن که ما به وزارت کار بیایم، می‌بایستی بی‌موردی در مورد قانون کار به راه افتاد که می‌شد از آن جلوگیری کرد. این مملکت مجلس دارد و شورای نگهبان دارد. آنها نمی‌گذارند که اتفاقی بیفتد. ولی بسیاری از اثری ما در این رابطه به هدر رفت. مقالات مختلفی در رد و تایید پیش نویس سابق نوشته شد. اصلاً نیازی به حساسیت به خرج دادن نیست. ... امروز صف بندی نداریم. امروز همه یکدست هستیم. بنابراین من از کارگران می‌خواهم که حساسیت به خرج ندهند. منتظر نباشند قانونی تدوین شود که حتماً به نفع کارگران باشد. ما می‌خواهیم که این فاصله را محو کنیم. این صف بندی‌ها را گروه‌های الحادی (بخوان پیروان سوسیالیسم علمی) ایجاد کرده‌اند. من می‌خواهم که حساسیت به خرج ندهند" (رادویو ایران - ۶ فروردین ۶۲).

آقای وزیر کار در این سخنان به انجام وظیفه همیشه خود، یعنی اجرای رهنمودهای رییس جمهور و سایر سران حکومتی جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه "مسئولین باید با تبلیغات صحیح آنان (کارگران) را از گرایش‌های انحرافی ... مصون دارند" پرداخته است. او از کارگران می‌خواهد تا در مورد تدوین قانون کار ضدکارگری توسط او و شرکایش از خود حساسیت نشان ندهند و مسئولین وزارت کار را به حال خود واگذارند تا بی‌هدفه خاطر، جهت دفاع از منافع سرمایه‌داران، وظیفه خود را انجام دهند. در واقع سخنان آقای سرحدی زاده با کلمات و عملکردهای پیشین او و شرکایش در وزارت کار تفاوتی ندارد. تنها اختلاف موجود افزایش درجه صراحت و وزیر کار در بیان مواضع ضدکارگری رژیم است.

سخنان وزیر کار نشان می‌دهد که حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی از حساسیت کارگران نسبت به حقوق صنفی خود و دفاع آنان از منافع طبقاتی خویش وحشت دارد و به خوبی به نقش تعیین کننده نیروهای پرچمدار منافع کارگران ایران آگاه است. علل یورش سبانه به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران را نیز باید در همین رابطه جستجو کرد.

## "گشتی" دیگر در صحنه

هر روز که می‌گذرد، حاکمیت جمهوری اسلامی برای تبدیل هر چه بیشتر کلیه عرصه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی کشور به جولانگاه عقاید قشری و قرون وسطایی خود، تصمیمات جدیدتری اتخاذ می‌کند.

آقای موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو

تلویزیونی، برگی دیگر بر این پرونده سیاه افزود و با اشاره "به گزارشات رسیده" گفت: "در بعضی از معایر، عفت عمومی به نحو مطلوب رعایت نمی‌شود و من به این افراد اعلام می‌کنم متظاہرین به عدم رعایت عفت عمومی را طبق قانون تعزیرات محاکمه خواهیم کرد" (رادویو ایران - ۷ فروردین ۶۲).

در جمهوری اسلامی کوچکترین انحراف از عقب مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین موازین و تصمیماتی که از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی در زمینه خصوصی‌ترین زوایای زندگی افراد وضع می‌شود، "عدم رعایت عفت عمومی" نام می‌گیرد و "مرتکبین" آن مستحق خشن‌ترین مجازات‌ها، تحت لوای "تعزیرات شرعی" تلقی می‌شوند.

آقای موسوی بجنوردی در مورد چگونگی کیفر این "مجرمین" اضافه کرد: "بر اساس ماده ۲۲ از قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری می‌توانند در مواردی که جرم مشهود بدون حکم دادستانی مجرمین را دستگیر کنند و چون تظاهر به منکرات از جرایم مشهود است، لذا به این گونه افراد اخطار می‌شود که طبق قانون، قاضی می‌تواند در چنین مواردی مجرم را تعزیر کند" (همانجا).

بدین طریق آقای عضو شورای عالی قضایی، دست ضابطین قضایی دادگستری و به ویژه عناصر وابسته به دادگاه‌های انقلاب را باز می‌گذارد که در خیابان، هر کسی را که اراده کردند، به دلیل "تظاهر به منکرات" و "عدم رعایت عفت عمومی" بازداشت کنند و به تخت شلاق ببندند.

او در زمینه چگونگی مبارزه با این به اصطلاح جرایم افزود: "در همین زمینه بنابه پیشنهادی که اخیراً در شورای عالی قضایی به تصویب رسیده است، به زودی در سطح شهر گشت‌های جداگانه‌ای برای خواران و برادران به گشت زنی خواهند پرداخت."

اتخاذ تصمیماتی ارتجاعی از این دست، منبعث از طرز تفکر عقب افتاده و قرون وسطایی مسئولینی است که تحت لوای "اسلام" و با ظاهری آرایش شده در لباس "شرع" با مردان و زنان میهن ما به خشن‌ترین وجهی رفتار می‌کنند. افزوده شدن یک گشت دیگر در کنار سایر گشت‌های جمهوری اسلامی چون "نارالله"، "جندالله"، "القارعه"، "یازهر"



و ... نشان می‌دهد که حاکمیت جمهوری اسلامی در به اجرا درآوردن عقاید و نظرات عقب مانده ضد مردمی خود، روز به روز بیشتر با اعتراضات و مقاومت‌های مردم روبرو می‌شود. در واقع آنچه که اینک به نام "رعایت عفت عمومی" مطرح می‌شود، کوچک‌ترین ارتباطی با باور و وجدان مذهبی زحمتکشان ما ندارد. حاکمیت خائن و انقلاب پرورده جمهوری اسلامی با عمده کردن مسائلی از این دست و جنجال در اطراف آن، قصد دارد خیانت به اهداف انقلاب و اعمال سیاست‌های ضدانقلابی خود را بپوشاند.

## هستی مردم طعمه قهر طبیعت

از طغیان دریاچه هامون که خانه و کاشانه هزاران خانوار ساکن در چوار آن را طعمه خود ساخت و کشته شدن صدها تن از هموطنان محروم و رنج‌دیده ما راسبب شد و همه دارایی و هستی آنها را نابود کرد بیش از یک ماه نمی‌گذرد، در هفته گذشته این قاجحه یک بار دیگر در آستانه سال نوبه وقوع بیوست. اخبار رسیده حاکی از آنست که در استان جنگ‌زده و پلاکشیده خوزستان و استان محروم کهگیلویه و بویراحمد، سیل تعداد زیادی روستا و چند شهر را در کام خود فروبرد.

طبقه گفته رادیو جمهوری اسلامی فقط در اطراف ماهشهر ۴۱ روستا در محاصره سیل قرار گرفته‌اند و تنها در شهر بهبهان ۷ نفر از هموطنان ما جان خود را از دست داده‌اند. هم‌چنین در استان کهگیلویه و بویراحمد در مناطق نازمکان، ماهور و کچساران سیل جاری شد و بر اثر طغیان رودخانه‌های مسیر جاده قلعه زینسی به دمدشت، این راه مسدود شد و صدها دام در روستاهای این منطقه تلف شد.

جان‌داری محقر مردم ستم‌دیده این مناطق بارها در رژیم ستم‌شاهی پامال قهر طبیعت شده بود. رژیم وابسته شاهنشاهی به علت ماهیت ضدملی و ضد خلقی خود کوچکترین گامی در جهت مصون ساختن جان و مال آنان از تهدید بلاهای طبیعی برنداشت. امروز نیز که بیش از پنج سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در تمام زمینه‌ها جای پای رژیم شاه گذاشته است، مردم رنج‌دیده و محروم این بخش از کشورمان، هیچ‌گونه امید و دورنمایی برای رهایی از اثرات مخرب قهر طبیعت ندارند و چون گذشته هستی و زندگی محقرشان دستخوش بلاهای طبیعی است.

در شرایطی که بر اثر اصرار و پافشاری سران جمهوری اسلامی در ادامه توسعه طلبانه جنگ خانمانسوز و بی‌ثمر ایران و عراق و بمبارانهای چنانیکارانه رژیم عراق، تمام هستی مردم این منطقه هر روز در معرض تهدید است، قهر طبیعت بر بار گران سیاست‌های خائنانه و ضدانقلابی سردمداران جمهوری اسلامی بیش از پیش می‌افزاید.

# مسخ شوراهای روستایی، گامی دیگر در روند بازگشت انقلاب

آقای موسوی نشست وزیر رژیم جمهوری اسلامی در آخرین جلسه شورای عالی کشاورزی، در رابطه با شوراهای روستایی گفته است:

"شوراهای اسلامی روستاها از ضروریات مبارزه با "خان" و "خان زدیگی" در روستاهاست".

وی در همین جلسه بر "گسترش شوراهای روستایی و سرکشی به آنها" تاکید می کند (اطلاعات ۸ اسفند ۶۲)

شکی نیست که تحت یک حاکمیت همگرا، اتیک و انقلابی، شوراهای روستایی، به عنوان تشکلهای پایه ای دهقانان و به مقابله مظهر اراده و عمل روستاییان زحمتکش، در مبارزه با بزرگ مالکی و براندازی نظام کلان زمین داری، نقش مهم و بزرگی دارند. ولی بررسی پیچیدگی تشکیل و عملکرد شوراهای روستایی و برخورد حاکمیت جمهوری اسلامی به این شوراهای عیار واقعی سخنان آقای موسوی را مشخص می کند.

این بررسی نشان می دهد که امروزه آقای موسوی و همپالنگی های شان در جمهوری اسلامی دروغ می گویند و به این سخنان اعتقادی ندارند. آنها با این سخنان قصد غوام فریبی دارند و می خواهند سیاست خائنانه پشت گردن به اهداف انقلاب را پنهان کنند.

## شوراهای روستایی به مثابه دستاورد جنبش انقلابی دهقانی

در دوران تدارک انقلاب و بعد از پیروزی آن، از بطن جامعه روستایی انقلابی ما انواع تشکلهای روستایی به ابتکار و مشارکت فعال و خودجوش دهقانان و پاکتک و همت نیروهای انقلابی فرا روییدند. از بین این تشکلهای شورای ده مهم ترین و عمده ترین نهاد تشکیلاتی روستاهای ایران بود که نقش حلقه اصلی را ایفا می کرد، در دوران تدارک انقلاب،

شوراهای روستایی نقش معینی در جهت مبارزه علیه رژیم ضد ملی محمدرضای خائن ایفا کردند. پس از پیروزی انقلاب، مسئله شوراهای به طوری شد، به مثابه شکلی از اشکال

حکومت به وسعت در جامعه مطرح شد. نبرد بر سر تکامل یا عقب نشینی انقلاب و چگونگی پیشرفت آن از جمله در مسئله شوراهای پارتاب یافت. مسئله تشکیل یا عدم تشکیل محدود وظایف و اختیارات شوراهای، به یکی از عرصه های مهم و بفرنج مبارزه تبدیل شد.

در ابتدا، از آنجا که خواست تشکیل شوراهای از پشتوانه و حمایت فعال توده ای و پشتیبانی نیروهای انقلابی و به ویژه حزب توده ایران برخوردار بود، با تشکیل شوراهای روستایی در عده قابل ملاحظه ای از روستاها، این مرحله مبارزه به سود روستاییان زحمتکش خاتمه یافت.

دهقانان زحمتکش و کلیه نیروهای انقلابی، تلاش می کردند که شوراهای به مثابه یک نهاد خلقی - دولتی، به وسیله اساسی مشارکت روستاییان زحمتکش در تعیین سرنوشت خود، روستای خود و کشور خود، به ارکان محلی قدرت دولتی - دولت مبدعیت از انقلاب مردمی، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم ایران - بدل کردند. آنها تلاش داشتند که شوراهای ده، نهادی واقعا منتخب مردم، واقعا دارنده اختیارات و امکانات دولتی، یعنی شوراهای واقعی اداره کننده و تصمیم گیرنده و اجرا کننده وسیع کننده باشند.

## موانع و مشکلات شوراهای روستایی

به رغم تلاش های دهقانان و نیروهای انقلابی، شوراهای روستایی با موانع و مشکلات فراوانی روبه رو شدند. این موانع و مشکلات که ریشه های عینی و ذهنی معینی داشتند، بروز پدیده های منفی گوناگونی را در شوراهای روستایی سبب می شدند، مهم ترین موانعی که بر سر راه شوراهای روستایی وجود داشتند عبارت بودند از:

۱- نفوذ عوامل بزرگ مالکان و خانها در شوراهای: حل نشدن مسئله ارضی و سازش و مناشات حاکمیت جمهوری اسلامی در اصلاحات ارضی بنیادی و حضور

نظام بزرگ مالکی، امکانات و شرایط فراوانی در اختیار زمین داران بزرگ و کوچک و دهقانان ثروتمند و ایادی آنها جهت به اجرا در آوردن مقاصد ضد انقلابی و حفظ منافع غارتگرانه خود قرار داده بود.

آنها تلاش داشتند از تشکیل شوراهای جلوگیری کنند و در روستاهایی که به علت شور و حضور انقلابی دهقانان زحمتکش، امکان جلوگیری از تشکیل شوراهای وجود نداشت، پدیده مسخ را به خدمت گرفتند. عوامل و دوستان بزرگ مالکان و یا خانهای با نفوذ در شوراهای روستایی، تلاش می کردند ابتکار عمل شورا را از دست نمایندگان اقشار محروم و تهی دست روستا خارج کرده و به تدریج با مسخ آن شورا را به خدمت بزرگ مالک یا خان هادر آورند.

این مسئله باعث می شد که از نظر کمی در اکثریت روستاها شورا تشکیل نگردد و از نظر کیفی نیز بسیاری از شوراهای، مردمی و نماینده واقعی روستاییان نباشند. عدم واکاوی اختیارات قانونی و امکانات دولتی به شوراهای از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی؛ بر اثر مبارزه زحمتکش و

نیروهای انقلابی، خواست تشکیل شوراهای از جمله شوراهای روستایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی انعکاس یافت. ولی هیچگاه شوراهای روستایی، قانونی نشدند و واحد اختیارات قانونی و امکانات دولتی، اساسنامه و آیین نامه واحد شکره دیدند. این وضع سبب می شد شوراهای روستایی - تازه اگر فعال و مردمی نیز بودند - متناسب با عمده ترین خواست ها و نیازهای مردم به کاری معین مشغول می شوند تنها در پاره ای از موارد (که تعدادشان زیاد هم نبود) شوراهای نقش واقعی خود را ایفا کردند.

رژیم جمهوری اسلامی، علی رغم سخنان پرطمطراق آقای موسوی در زمینه لزوم شوراهای روستایی، قانونی در زمینه شوراهای روستایی تهیه نکرد و شورا را به رسمیت شناخت و اختیارات و مقدراتی

به آنها نداد. تکریمات انحصار طلبانه تنگ نظران حاکمیت جمهوری اسلامی نهادهای وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی با گرایشات انحصار طلبانه و قشری خود، افرادی را که در چهارچوب های فرق العاده تنگ و محدود آنها نمی گنجیدند، از شرکت و انتخاب شدن در شوراهای روستایی محروم می کردند. این افراد بخش قابل ملاحظه ای از زحمتکش و نیروهای انقلابی مسلمان و دیگر اندیش را شامل می شدند.

معیار انتخاب افراد، مرز بندی های اصولی و انقلابی نشات گرفته از اهداف انقلاب ایران نبود بلکه انتخاب افراد بر اساس روابط طبایفه ای و نوع معینی از ایدئولوژی مذهبی بود. این امر باعث بروز بیاس و دلسردی نسبت به ادامه کار، انفعال و انحلال و استعفا روستاییان از شورا می شد.

علاوه بر عوامل فوق، کمی تجربه دهقانان و نیروهای انقلابی و ضعف تشکلهای سیاسی انقلابی در روستاها نیز بر سر راه تکامل و گسترش شوراهای روستایی مشکلاتی ایجاد می کردند.

## شوراهای روستایی به مثابه دستاورد جنبش انقلابی دهقانی

اگرچه منظره عمومی شوراهای روستایی که بعد از انقلاب در کشور ما تشکیل شدند، آشکارا آنچه که یک شورای تمام عیار می بایست داشته باشد، تفاوت های بسیاری داشت، لیکن این واقعیت را نباید فراموش کرد که شوراهای روستایی با همه نقایص، ضعفها و کاستی های شان، نهادی پرامده از مبارزه خونین و طولانی انقلابی بودند. حاصل ایثار، فداکاری و از خود گذشتگی صدها هزار از بهترین و عزیزترین فرزندان مردم زحمتکش مهین ما بودند و دست آورد جنبش انقلابی دهقانی در ایران محسوب می شدند که در رشد و اعتلای خود می توانستند به بقیه در صفحه ۹



# مردم به جمهوری غارتگران رای نداده‌اند!

روز دوازدهم فروردین امسال، پنج سال از تاسیس جمهوری اسلامی ایران گذشت. دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ مردم زحمتکش ایران به پای صندوقهای رای رفتند تا پیروزی‌های مسلم خود را که در جریان انقلاب و از میان گلوله و آتش و خون به دست آورده بودند، قانونی کنند.

مردم رنج‌دیده و ستم کشیده میهن ما که با مبارزات قهرمانانه خود رژیم سفاک محمدرضا شاه را سرنگون کردند، به خاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند. زحمتکشان ایران به این امید به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند که پایه‌های نظام ستم شاهی یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری برچیده شود و با تامین حقوق حقه زحمتکشان، گام‌های اساسی در زمینه عدالت اجتماعی برداشته شود. زحمتکشان ایران بدین امید به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند که آزادی به مفهوم واقعی برای آنان استقرار یابد و جلوی آزادی استثمار و بهره‌کشی سرمایه‌داران گرفته شود.

امروز پنجمین سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران در شرایطی فرا می‌رسد که رهبری آن وعده‌های خود در قبال زحمتکشان رانادیده گرفته و به انقلاب مردمی، ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های میهن ما پشت کرده است. حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از پیش آماج‌های اصیل انقلاب، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را پایمال می‌کند.

در زمینه استقلال خلقی، جمهوری راه رفته را به سرعت بازمی‌گردد و هر روز بیشتر در مسیر احياء و نوسازی و تشدید وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا حرکت می‌کند. جمهوری اسلامی به کمک نهادهای سرکوبگر گوناگون خود بیش از پیش سرکوب و ترور نیروهای ضدامپریالیستی و انقلابی را بسط می‌دهد. وضع زندگی زحمتکشان کشور ما در نتیجه بی‌گیری سیاست احياء و تثبیت نظام منحط سرمایه‌داری وابسته، در کلیه عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی روز به روز به وخامت می‌گراید.

کوتاه سخن! جمهوری اسلامی به جمهوری غارتگران تبدیل شده است.

امروز جمهوری اسلامی فرسنگ‌ها با رژیم‌های سران حاکمیت وعده می‌دادند فاصله گرفته است. مردم زحمتکش ایران فریاد اعتراض خود را علیه سران خیانت پیشه آن بلند کرده‌اند و ظنین این فریاد روز به روز رساتر می‌شود. زحمتکشان ایران در پی نظام دیگری هستند. نظامی که خواستهای آنان یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را برآورد.

## زدوندهای پنهان حکام ج.ا.ا را با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

### امپریالیست‌ها به جمهوری اسلامی اسلحه می‌فروشند

اختلافات میان صادرکنندگان اسلحه به ایران، که نگاه حقایق تازه‌ای در باره فروش سازمان یافته سلاح از سوی دول امپریالیستی به جمهوری اسلامی را از پرده برون می‌افکند، روزنامه انگلیسی گاردین اخیراً نوشته است: "به قول منابع وزارت دفاع واشنگتن، پرواز هواپیماهای ایران در گرو ارسال لوازم یدکی بریتانیایی است. یکی از وسایلی که بریتانیا به ایران می‌فروشد نوعی موتور است که کمپانی رولزرویس برای استفاده هواپیماهای فانتوم می‌سازد. برخی از فانتوم‌های ایران طوری ساخته شده‌اند که بتوان موتور آمریکایی آن را با این

موتور تعویض کرد". این روزنامه ادامه می‌دهد که یک سخنگوی کمپانی رولزرویس در تکذیب این خبر گفته است:

"شرکت رولزرویس هیچ موتور نظامی به ایران نفروخته است." (۱)

تکذیبی که خود در حکم تایید است. یک منبع وابسته به وزارت دفاع آمریکا گفت: موتورهای فانتوم نیاز به تعویض سریع دارند و برای حفظ امکان پرواز نیروی هوایی، تامین منظم این موتورها ضروری است. همین منبع اظهار داشت که این موتورها احتمالاً از طریق زوریخ و وین، به کمک یک خط تدارکاتی که از مدت‌ها پیش به وسیله اسرائیلی‌ها تاسیس شده است به مقصد ایران بارگیری می‌شوند. از سوی دیگر آگاهان نظامی اعلام کرده‌اند که بریتانیا احتمالاً وسایل یدکی لازم برای ۲۰۰ موشک زمین به هوای "راپیر" که در زمان شاه به ایران فروخته شده است و نیز موشک‌های ساخت انگلستان "تیگرکت" را به ایران ارسال می‌دارد.

به گفته این منابع، ایتالیا نیز در فروش و ارسال سلاح به ایران دست دارد و قطعات یدکی هلی‌کوپتر "شینوک" را به ایران ارسال می‌دارد. (گاردین ۲۲ فوریه ۱۳۳۲)

## کارزار تبلیغات ضد شوروی

### چه هدفی را دنبال می‌کند؟

روزنامه تروود، ارگان اتحادیه‌های کاری‌نگار شوروی، در رابطه با تلاش رهبران جمهوری اسلامی در جهت متهم ساختن اتحاد جماهیر شوروی به فروش بمب‌های شیمیایی که عراق در جبهه‌های جنگ مورد استفاده قرار داده است، مقاله‌ای به چاپ رساند. در این مقاله آمده است:

"چند روز پیش، ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر کار و امور اجتماعی ایران تلاش کرد تا اتحاد شوروی را به دست داشتن در کار برد سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق متهم کند. گذشته از آن این مقام دولتی ایران تلاش کرد تا اتحاد شوروی را که بی‌گیرانه در راه منع سلاح شیمیایی و محدودخاطر این سلاح مبارزه می‌کند با ایالات متحده آمریکا در یک ردیف بگذارد."

روزنامه تروود هم چنین منبع تبلیغات افترآمیز ضد شوروی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را فاش می‌سازد و می‌نویسد:

"مقاله منتشره در روزنامه گوش چاپ ترکیه، اساس این اراجیف شده است... سرویس‌های ویژه آمریکا، پنتاگون و سیا تحویل دهندگان این به اصطلاح اسناد و صحیح‌تر بگوییم اطلاعات گمراه کننده هستند. نویسنده مقاله در رابطه با هدف پخش این تبلیغات ضد شوروی در ایران می‌نویسد:

"چه عاملی مقامات ایرانی را وادار کرده است تا به مانور تبلیغاتی دست بزنند و اتهام صدور سلاح شیمیایی به عراق را که متوجه انگلیس

و فرانسه است به اتحاد شوروی نسبت دهند ممکن نیست در تهران از برخورد اتحاد شوروی به مسئله استعمال سلاح شیمیایی که همه از آن آگاهند، یا خبر نباشند. چنین به نظر می‌رسد که مسئله بر سر بی‌اطلاعی مقام‌های ایرانی نیست. بلکه مطلب بر سر آن است که تبلیغات ضد شوروی برای برخی محافل در ایران بسیار ضروری است تا بتوانند با کمک آن، دعوت‌های محافل چنگجو را به جنگ با عراق تا پیروزی توجیه کنند". در اجرای همین سیاست که نشریه تروود افشا کرده آقای نخست‌وزیر می‌گوید:

"اما آن چیزی که در این زمینه (بمب شیمیایی) برای ما شگفت‌آور است، سکوت کشورهای ضدامپریالیستی و به اصطلاح خلقی بلوک شرق در محکومیت این اعمال بود که حتی یک کلمه هم در محکومیت این قضیه سخن نگفتند و این ظن را به وجود آوردند که در پشت پرده قضیه دیگری است."

آقای موسوی که از واکنش کشورهای امپریالیستی و مطبوعات و رسانه‌های گروهی وابسته به آنها قند در دلش آب شده است، همانند هیالکی‌های خود، آگاهانه می‌کوشد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را به هدف اصلی تبلیغات کین‌توزانه خود بدل سازد و با بهره‌گیری از این جو، مناسبات حاکمیت جمهوری اسلامی را با امپریالیسم جهانی، بیش از پیش گسترش دهد.





### میزان تولید فراآورده‌های کشاورزی در اتحاد شوروی افزایش می‌یابد

کنفرانس اقتصادی سراسری درباره مجتمع‌های کشت و صنعت کار خود را در مسکو آغاز کرد. رهبران حزبی و دولتی، دانشمندان و کارکنان رشته کشاورزی در این کنفرانس شرکت داشتند. شرکت کنندگان در کنفرانس، سطح ثمر بخشی کشاورزی در اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار دادند. کنستانتین چرننکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی نطق خود در مراسم گشایش این کنفرانس اظهار داشت:

"حزب کمونیست تأمین ترقی و پیشرفت کشاورزی را نه تنها هدف اقتصادی بلکه یک هدف اجتماعی-سیاسی دارای اهمیت درجه اول می‌شمارد."

کنستانتین چرننکو اشاره کرد که پیش از تصویب برنامه خوابار که حدود یک سال پیش انجام گرفت، میزان تولید فراآورده‌های کشاورزی افزایش می‌یابد.

میخائیل گورباچف، عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در

این مورد گزارش داد و گفت:

"سال گذشته میزان کل تولید فراآورده‌های کشاورزی نسبت به سال ۱۹۸۲، ۵٪ افزایش یافت و در امر تحولات اجتماعی در روستاها تسریع به عمل آمد."

میخائیل گورباچف اظهار داشت در رشته کشاورزی پیشرفت‌های امیدبخشی حاصل شده است، ولی وضع کلی نمی‌تواند ما را قانع سازد. رشته کشاورزی طی سه سال اجرائی برنامه ۵ ساله جاری، کمتر از میزان پیش بینی شده در برنامه، غله، دام و شیر به کشور ما داده است. میخائیل گورباچف بدین مناسبت رهبران برخی از استانها و وزارتخانه‌ها را مورد انتقاد قرار داد و بر امر ضرورت تشدید ثمر بخشی کشاورزی و استفاده هرچه سریع‌تر از دستاوردهای علم و فن تأکید کرد.

### روز اعتراض ملی در شیلی

ده‌ها هزار تن از مردم شیلی دیروز در مراسم برگزاری روز اعتراض ملت شیلی به رژیم ضد مردمی شرکت کردند. در شهرهای سانتیاگو، کنسپسیون و دیگر شهرهای کشور میتینگ‌ها و تظاهراتی روی داد. اجتمع کنندگان و تظاهرکنندگان استعفاي پینوشه و اعاده دمکراسی در کشور را خواستار شدند. پلیس برای پراکنده ساختن تظاهرکنندگان از گاز اشک‌آور استفاده کرد. ۵ نفر از تظاهرکنندگان پراتر تیراندازی پلیس کشته شدند و ۴۰۰ تن دیگر به ایبارت درآمدند.

### حافظ اسد

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه‌ای با مجله آمریکایی تایم گفت، سیاست آمریکا در خاور نزدیک همانند سیاست اسرائیل نمی‌تواند پاسخگوی تأمین صلح باشد. حافظ اسد گفت برای عادی کردن اوضاع در لبنان، اسرائیل باید ارتش خود را از آن کشور خارج سازد. رئیس جمهور سوریه هرگونه مرتبط ساختن مسئله خروج ارتش متجاوز اسرائیل از لبنان را با حضور واحدهای ارتش سوری جزو نیروهای عربی پاسدار صلح در لبنان را رد کرد.

### حلقه دیگر سیاست

بقیه از صفحه ۶

کارگران تا ۱۴ ساعت در روز تحت عنوان اضافه کاری.

- پایین آوردن مزد واقعی کارگران با توجه به تورم فزاینده.

تمام موارد فوق در بخش‌های مختلف پیش نویس "جدید" قانون کار به روشنی در جهت منافع سرمایه‌داران گنجانده شده است.

بدون تردید، تصویب چنین قانون کاری حلقه مهم و تکمیل کننده تحکیم مواضع غارتگران سرمایه‌داران "خودی" و شرکاء طرف‌های امپریالیستی آنهاست.

بنابراین نبرد این مرحله طبقه کارگر ایران - همانند تمام دوران انقلاب و پس از آن - نبردی هم برای دفاع از منافع زحمتکشان ایران و هم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب مسخ شده است.

## ۵۰ سال مبارزه حزب کمونیست عراق برای تأمین منافع زحمتکشان

۱۲ فروردین امسال، حزب کمونیست عراق پنجاه ساله می‌شود.

حزب کمونیست عراق، نقش کمک‌های نظامی و مالی فرانسه را در این جهت مورد تأکید قرار می‌دهد.

حزب کمونیست عراق، کلیه نیروهای میهن دوست و پیشرو عراق را فرا می‌خواند تا به تلاش‌های خود برای تشکیل جبهه وسیعی از میهن دوستان (جبهه‌ای دربرگیرنده تمامی احزاب و سازمان‌هایی که علیه دیکتاتوری صدام پیکار می‌کنند) شدت بپوشند. حزب کمونیست عراق پیشنهاد کرده است یک برنامه اساسی و دمکراتیک تدوین شود. برنامه‌ای که مورد قبول کلیه نیروهای دمکراتیک و پیشرو باشد و تبلور اراده خلق برای سرنگونی رژیم صدام و ایجاد دولت دمکراتیک ائتلاف ملی به شمار آید. تمام اقشار خلق باید در مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم بسیج شوند.

حزب کمونیست عراق، خواهان پایان فوری جنگ میان ایران و عراق برپایه حل عادلانه و دمکراتیک اختلافات و تضمین حقوق حقه هر دو کشور مبنی بر احترام به استقلال طرفین و تأمین صلح است.

حزب برادر ما حزب کمونیست عراق، تحت شدیدترین پیکردها، در شرایطی کاملاً مخفی برای سرنگونی رژیم استبدادی صدام حسین و پایان جنگ ایران و عراق، تشکیل دولت ائتلافی میهن دوستان عراقی، دمکراسی در عراق و خود مختاری کردستان عراق مبارزه می‌کند.

حزب کمونیست عراق معتقد است بحران رژیم حاکم بر عراق در حال تعمیق است. درگیری‌ها و منازعات درون صفوف حاکمیت چنان اوج گرفته که حتی افسران بلندپایه و اعضای کادر دولتی تحت پیگرد قرار می‌گیرند. ورشکستگی مالی، کمبود مواد غذایی و دیگر مایحتاج عمومی، و درگیری در بن بست جنگ خانمانسوز با ایران، وجوه مشخصه اوضاع عراق را تشکیل می‌دهند. این اوضاع سبب شده است مقاومت توده‌های خلق علیه رژیم حاکم در عراق تشدید شود.

رژیم صدام با کوشش برای نزدیکی به کشورهای امپریالیستی و ارتجاع عرب، مداخله نظامی امپریالیسم و گسیل سپاه واکتس سریع آمریکا به منطقه خلیج فارس را ممکن ساخته است.

### کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در دوسلدورف (آلمان فدرال) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 86

Monday, 2 April 84

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	Fr.	U.S.A.	50
Austria	Sch.	Sweden	3
			Skr.

